

## فصل سوم

### ایران؛ از ورود اسلام تا پایان صفویه

تاریخ ایران از ورود اسلام تا پایان حکومت صفوی، تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را پشت سر گذاشت. اوضاع سیاسی کشور ما در این سده‌ها، فراز و نشیب‌های زیادی داشت و سلسله‌ها و حکومت‌های متعددی بر سر کار آمدند و هر یک به طریقی بر شرایط ایران تأثیر گذاشتند. اما مهم‌ترین تحول، در عرصه دینی و فرهنگی رخ داد و ایرانیان با پذیرش تدریجی اسلام، نقش عظیمی را در تأسیس، گسترش و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی به عهده گرفتند. در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی نیز جامعه ایرانی تغییر و تحولات زیادی به خود دید. شما در این فصل، از طریق کاوش در موضوع‌های تاریخی و بررسی شواهد و مدارک، با علل، آثار و پیامدهای مهم‌ترین تحولات تاریخ ایران در دوران اسلامی آشنا خواهید شد.

## تمدن ایرانی - اسلامی

حملةٔ عرب‌های مسلمان به ایران که منجر به سقوط ساسانیان و آغاز دوران اسلامی شد، رویدادی مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ کشور ما به شمار می‌رود. شما در این درس با استفاده از شواهد و مدارک، چگونگی فتح ایران توسط اعراب مسلمان و علل و آثار مهم‌ترین تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را که در دو سدهٔ نخست هجری در کشور ما به وقوع پیوست و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن ایرانی - اسلامی را فراهم آورد، بررسی خواهید کرد.

## فتح ایران

## فکر کنیم و پاسخ دهیم

مورخان در یک تقسیم‌بندی معروف، تاریخ ایران را به دو دورهٔ باستان و اسلامی تقسیم کرده‌اند. الف) به نظر شما مبنای این تقسیم‌بندی چیست؟ ب) با همفکری، چند ویژگی مشترک و متفاوت جامعهٔ ایران را در این دوره به یاد بیاورید.

## ساسانیان و اعراب

می‌کردند، یمن نیز از زمان پادشاهی خسرو انوشیروان به تصرف ساسانیان درآمد.

## وضع ایران در آستانهٔ حملهٔ اعراب

هم‌زمان با ظهور اسلام، وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران چندان مناسب نبود؛ زیرا حکومت ۴۰۰ سالهٔ ساسانی از یک سو، بر اثر جنگ‌های طولانی و پرخرج با روم در غرب، و نبردهای بی‌دری با اقوام بیابانگرد در مرزهای شرقی و از سوی دیگر به سبب اختلاف و نزاع بزرگان و اشراف، دچار فرسودگی و ضعف شده بود؛ به گونه‌ای که پس از خسرو پرویز در مدت کوتاهی بیش از ده تن به تخت شاهی نشستند.

در دوران باستان، قبایل بیابانگرد عرب که در مجاورت مرزهای جنوب و جنوب‌غربی فلات ایران می‌زیستند، مکرر به شهرها و آبادی‌های مرزی میهن ما هجوم می‌آوردند و پس از غارت آنها به درون بیابان‌های شبه‌جزیرهٔ عربستان عقب‌نشینی می‌کردند. به همین دلیل، حکومت ساسانیان، علاوه بر زنجیره‌ای از پادگان - شهرها که در مرزهای جنوب‌غربی قلمرو خود ایجاد کرده بود، دولت‌نشاندگی از طایفهٔ عربِ آل‌مُنذر (لَحْمِیان) را در حیره بر سر کار آورد تا در برابر یورش اعراب بدوی از مرزهای ایران دفاع کند. در جنوب، غیر از بحرین<sup>۱</sup> و عمان که جزء سرزمین اصلی ایران بودند و مرزبانان ایرانی بر آنجا حکومت

۱- در سده‌های نخستین اسلامی، به بخش وسیعی از مناطق ساحلی جنوب خلیج فارس «بحرین» گفته می‌شد؛ ولی امروزه این نام بر کشور بحرین که جزیره‌ای در جنوب خلیج فارس است اطلاق می‌شود.

اوضاع اجتماعی نیز به دلیل جدایی و فاصله طبقات جامعه ایران از یکدیگر، اختلافات مذهبی و سرکوب مخالفان دین رسمی، تنگ‌نظری موبدان و دخالت آنها در امور مختلف کشور، آشفته بود. علاوه بر آن، شیوع بیماری مرگبار طاعون و طغیان شدید رودهای دجله و فرات که بندها و سدها را شکست و خسارت فراوانی به زمین‌های حاصلخیز آسورستان (بین‌النهرین/سواد/عراق) زد، ضربه سنگینی به اقتصاد ساسانیان وارد آورد.

حادثه تأثیرگذار دیگری که در این اوضاع و احوال رخ داد، از میان برداشتن دولت آل‌منذر (لخمیان) توسط خسرو پرویز بود. اندکی پس از این ماجرا، دسته‌ای از سپاهیان ساسانی، از قبیله‌های عرب مجاور مرزهای ایران شکست خوردند. براثر این واقعه، عظمت قدرت ساسانیان در چشم اعراب فروریخت و باعث تشویق و تحریک بیشتر آنان برای هجوم به کاروان‌ها و آبادی‌های مرزی ایران شد.

### نخستین برخوردهای مسلمانان با ایرانیان

مطابق برخی روایت‌ها، خسرو پرویز از جمله فرمانروایانی بود که

توسط حضرت محمد ﷺ به اسلام دعوت شد، اما دعوت پیامبر را نپذیرفت و به باذان، حاکم ایرانی یمن امر کرد که به حجاز رود و آن حضرت را دستگیر و روانه تیسفون کند. البته برخی از مورخان در درستی این روایت تردید دارند. به هر حال، چون پیامبر خبر کشته‌شدن خسرو را به باذان داد، او به همراه دیگر ایرانیان یمن اسلام آورد. اینان پس از سلمان فارسی، نخستین گروه ایرانیانی بودند که مسلمان شدند. آنان در خلال شورش‌هایی که پس از رحلت رسول خدا در شبه‌جزیره عربستان به وجود آمد، ایمان خود را نسبت به اسلام نشان دادند و با تمام وجود در برابر از دین‌پرگشتگان و پیامبران دروغین جنگیدند.

علاوه بر یمن، در زمان پیامبر، اسلام به بحرین و عمان نیز راه یافت. مرزبان‌های ساسانی این دو منطقه در مقابل سپاهیان مسلمان تاب مقاومت نیاوردند و زرتشتیان ساکن بحرین به اطاعت مسلمانان و پرداخت جزیه گردن نهادند.

### کاوش خارج از کلاس

با رجوع به منابعی که دبیر معرفی می‌کند درباره سلمان فارسی تحقیق کنید و به پرسش‌های زیر درباره او پاسخ کتبی دهید:

الف) با چه انگیزه و هدفی و چگونه به مدینه رفت و مسلمان شد؟ (ب) چه خدماتی به اسلام در مدینه کرد؟ (پ) در جریان فتح ایران چه مأموریتی را به عهده گرفت؟

### حمله اعراب مسلمان به ایران

در شرایطی که دربار ساسانی دچار اختلاف و آشفتگی بود، اعراب مسلمان، در اواخر دوران خلافت ابوبکر، به منطقه سواد حمله کردند و تعدادی از آبادی‌ها و شهرهای آن منطقه را به جنگ و یا صلح گشودند، اما حملات جدی آنان به ایران در زمان خلافت عمر بن خطاب صورت گرفت. در آن زمان، پس از

سال‌ها اختلاف و نزاع در دربار ساسانی، یزدگرد سوم بر تخت نشست؛ امور کشور کمی سامان یافت و سپاه ایران با شکست مسلمانان در جنگ جسر یا پل (۱۳ق) بیشتر متصرفات آنان را پس گرفت. عمر، خلیفه دوم، جنگاوران تازه‌نفسی را که از انگیزه معنوی و مادی بالایی برای جنگیدن برخوردار بودند، روانه ایران کرد.

۱- عرب‌هایی که از درون بیابان‌های بی‌آب و علف شبه‌جزیره عربستان به ناحیه آباد بین‌النهرین (میان‌رودان) در جنوب غربی ایران نزدیک می‌شدند، چون مزارع و بستان‌های سرسبز این ناحیه از دور به سیاهی می‌زد؛ آنجا را «سواد» (به معنای سیاهی) نامیدند.

۲- این جنگ در فاصله سال‌های ۶۰۱ تا ۶۰۴م در آبخوری موسوم به ذوقار (ذیقار) در جنوب کشور کنونی عراق رخ داد.

## بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و برداشت و تحلیل خود را از آن بیان کنید.

مثنی بن حارثه، رئیس یکی از قبیله‌های عرب که در حمله به مرزهای ایران خیلی فعال بود، گفت: «در جاهلیت و اسلام با عرب و عجم جنگ کردم. به خدا سوگند که به روزگار جاهلیت یک صد عجم پرتوان‌تر از هزار عرب بود و اکنون یک صد عرب پرتوان‌تر از هزار عجم است» (طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۶۱۷).

اعراب مسلمان نخست در قادسیه سپاه ایران را به سختی شکست دادند (۱۴ق) و تیسفون پایتخت پراوازه ساسانیان را پس از مدتی محاصره، تسخیر کردند (۱۶ق).  
سواد با مسلمانان اشاره کرد. ضمن آنکه خبر پیروزی خیره‌کننده اعراب مسلمان بر رومیان در شام، موجب تقویت روحیه و انگیزه جنگاوران عرب در قادسیه شد.  
پس از سقوط تیسفون، بقایای ارتش ساسانی در جلولا گرد هم آمدند و با مهاجمان جنگیدند، اما شکست خوردند و بسیاری از آنان کشته شدند (۱۶ق).  
می‌توان به اختلاف‌های داخلی ایرانیان، ناامیدی رستم فرخزاد (فرمانده سپاه ساسانی) از پیروزی و همکاری برخی دهقانان و قبیله‌های عرب ساکن



نقشه فتوحات اعراب مسلمان در ایران

۱- دهقان یا دهگان، به گروهی از زمین‌داران کوچک گفته می‌شد که در دوره ساسانی و قرون نخستین هجری، روستاها را اداره و مالیات‌ها را گردآوری می‌کردند.

## بحث و گفت‌وگو

به دنبال پیروزی اعراب مسلمان در جنگ‌های قادسیه و جلولاء، سرتاسر سرزمین حاصلخیز و ثروتمند سواد به تصرف آنان درآمد. با توجه به اینکه این سرزمین با جنگ گشوده شده بود، تمام اموال و املاک آنجا به عنوان غنیمت به جنگجویان مسلمان تعلق می‌گرفت؛ اما عمر، خلیفه دوم، پس از مشورت با علی علیه السلام و برخی دیگر از صحابه، از تقسیم املاک مذکور خودداری کرد. به دستور او، دهقانان و کشاورزان آن سرزمین امان یافتند و به آنان اجازه داده شد که همچون گذشته بر روی زمین‌های آنجا کشاورزی کنند و در مقابل به مسلمانان جزیه و خراج دهند.

با راهنمایی دبیر درباره علل و آثار نظامی و اقتصادی این تصمیم خلیفه دوم، بحث و گفت‌وگو کنید.

پیروزی اعراب مسلمان در جنگ نهاوند سرنوشت حکومت ساسانی را قطعی کرد (۲۱ق). فاتحان، این پیروزی را فتح‌الفتوح نامیدند. به دنبال آن، سپاهیان مسلمان از هر سوی به داخل ایران پیش‌تاختند و تا دوران خلافت عثمان، بیشتر شهرها و ولایات مختلف را یکی پس از دیگری به جنگ و یا صلح گشودند<sup>۱</sup>.

ساکنان برخی شهرها و مناطق ایران مانند همدان، ری، فارس و به خصوص شهر استخر که خاستگاه خاندان ساسانی بود، بارها بر اعراب شوریدند، اما از آنجایی که میان این شورش‌ها هماهنگی وجود نداشت، اعراب موفق به سرکوب آنها شدند.

## فعالیت ۲

### بررسی شواهد و مدارک؛ صلح‌نامه‌ها

صلح‌نامه‌های میان ایرانیان و اعراب، حاوی نکات مهمی درباره چگونگی فتح ایران و برخوردهای فاتحان و مغلوبان است. قسمت‌هایی از چند صلح‌نامه را به دقت بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آنها، پاسخ دهید.

صلح‌نامه نهاوند: «فرمانده سپاه عرب [جان‌ها و مال‌ها و زمین‌هایشان را امان می‌دهد که کسی دینشان را تغییر ندهد و از انجام ترتیبات دینشان منع نکند، مادام که هر سال به عامل خویش جزیه دهند. مادام که ره‌مانده را رهنمایی کنند، راه‌ها را اصلاح کنند و هر کس از سپاه مسلمانان را که به آنها گذر کند [یک شبانه‌روز] مهمان کنند و مادام که نیک‌خواهی کنند. اگر خیانت کردند، ذمه ما از آنها بری باشد» (طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۹۶).

صلح‌نامه ری: «[یکی از بزرگان شهر] پانصد هزار درهم بداد تا تازیان کسی از ایشان را نکشند و به اسیری نبرند و آتشکده‌ای را ویران نکنند، و نیز خواستند که مقدار خراج ایشان برابر خراج اهل نهاوند باشد» (بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۲۰).

صلح‌نامه آذربایجان: «مرزبان بر همه آذربایجان از حدیفة بن یمان [فرمانده سپاه مسلمانان] طلب صلح کرد و بر آن شد که هشتصد هزار درهم بپردازد به آن شرط که حدیفة کسی را نکشد یا به اسیری نگیرد و آتشکده‌ای را ویران نسازد. اهل شیز را از پایکوبی در روزهای عید و انجام مراسم دیگر باز ندارد» (همان، ص ۱۶۳).

الف) تعهدات ایرانیان و اعراب مسلمان را در این دو قرارداد صلح فهرست کنید.

ب) تعهدات اعراب مسلمان در این صلح‌نامه‌ها، دلالت بر چه مسائلی دارد؟

۱- آثار و بقایای شهر شیز یا تخت سلیمان، از جمله بقایای یکی از سه آتشکده بزرگ دوران ساسانی یعنی آتشکده آذرگشنسب که مخصوص شاهان بود، در جنوب دریاچه ارومیه در استان آذربایجان غربی بر جا مانده است.

۱- نواحی کوهستانی البرز، منطقه ماوراءالنهر و بخش‌های شرقی فلات ایران مانند زابل و کابل، بعدها در زمان امویان فتح شد.



## حاکمان و بزرگان محلی ایران و اعراب مسلمان

در جریان فتح ایران به ویژه پس از جنگ نهاوند، مرزبانان، دهقانان و حتی موبدان، به عنوان حاکمان و یا بزرگان محلی، از همراهی و همکاری با یزدگرد سوم<sup>۱</sup> دست کشیدند و هریک، براساس منافع و مصلحت خویش، با سپاهیان اعراب مسلمان که به حوزه فرمانروایی آنها می‌رسیدند، برخورد می‌کردند. برای نمونه، هرمزان، حاکم خوزستان، شهر شوشتر را مرکز فرماندهی خود قرار داد و به مقابله با اعراب برخاست، اما مهاجمان با همکاری یکی از ساکنان شهر به داخل شهر نفوذ کردند. هرمزان به اسارت افتاد و به مدینه فرستاده شد. شهرک، مرزبان فارس نیز با اعراب جنگید و کشته شد. مرزبانان برخی ولایات مانند آذربایجان و سیستان، مقاومت و جنگ در برابر سپاهیان مسلمان را بی‌فایده دانستند و به صلح با آنان رضایت دادند. برخی از حاکمان و بزرگان محلی از قبیل هیربدان<sup>۲</sup> نهاوند و دارابگرد، دهقان نیشابور و مرزبان توس برای نجات جان و اموال و یا حفظ موقعیت سیاسی و اجتماعی خود، با اعراب مسلمان همکاری کردند و آنان را در فتح ایران یاری دادند.

- ۱- یزدگرد سوم پس از جنگ نهاوند به سوی مرکز ایران و سپس خراسان رفت و سرانجام در سال ۳۱/۶۵۱م، به تحریک دهقان مرو، به دست آسیابانی در نزدیکی آن شهر کشته شد.
- ۲- هرمزان در مدینه مسلمان شد و گاهی توسط خلیفه دوم مورد مشورت قرار می‌گرفت. پس از قتل عمر بن خطاب توسط فیروز نهاوندی (ابولؤلؤ)، عبدالله بن عمر، پسر خلیفه، هرمزان را به همراه زن و دختر خردسال ابولؤلؤ و یک ایرانی دیگر، به انتقام خون پدر، به قتل رساند.
- ۳- هیربد، عنوانی برای روحانیان زرتشتی بود که از نظر رتبه پس از موبدان قرار می‌گرفتند و وظایفی چون تعلیم و تربیت، خدمت در آتشکده و قضاوت را بر عهده داشتند.

## دو قرن حکومت اعراب بر ایران

### الف) عصر خلفای نخستین

پس از فتح هر شهر و منطقه توسط اعراب مسلمان، به فرمان خلیفه، فردی از میان فرماندهان سپاه، سران قبیله‌ها و یا صحابه به حکومت آنجا منصوب می‌شد. از آنجاکه اعراب تجربه چندانی در کشورداری نداشتند، اداره امور دیوانی، همچون گذشته در اختیار ایرانیان باقی ماند. محاسبه و دریافت مالیات‌ها همچنان توسط دبیران و دهقانان ایرانی انجام می‌گرفت. دفترهای دیوانی مثل گذشته به خط و زبان پهلوی نوشته می‌شد و سکه‌های ضرب شده توسط ساسانیان همچنان در گردش بود. به طور کلی، اعراب مسلمان تا زمانی که نافرمانی صورت نمی‌گرفت و قراردادهای صلح نقض نمی‌شد، در اداره امور شهرها و روستاها دخالتی نمی‌کردند.

### ب) دوره خلافت امویان

در زمان حکومت بنی‌امیه، مناطق مختلف ایران تحت فرمان و نظارت والی عراق اداره می‌شد؛ البته در مواقعی نیز خلفای

اموی در عزل و نصب حاکمان مناطق مهمی مانند خراسان و آذربایجان به طور مستقیم دخالت می‌کردند. در آن دوره، حکومت شهرها و مناطق مختلف دنیای اسلامی از جمله ایران در انحصار کامل اشرافیت اموی و سران قبیله‌های عرب متحد آنان قرار داشت. زیاد بن ابیه، پسرش عبیدالله، حجاج بن یوسف ثقفی و یوسف بن عمر از جمله معروف‌ترین والیان اموی بودند که بر عراق و ایران فرمان راندند و به ایرانیان، خواه مسلمان و خواه غیرمسلمان، ظلم زیادی کردند.

مهاجرت قبیله‌های عرب به ایران در قرن اول، از جمله رویدادهایی است که آثار و نتایج سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی بر جا گذاشت. این مهاجرت‌ها از دوران فتوحات و به هدف تحکیم سلطه مسلمانان بر ایران شروع شد و در دوره امویان شدت یافت؛ برای نمونه، در زمان معاویه ۵۰ هزار مرد جنگی عرب که شمار آنان، به همراه اعضای خانواده، به چندصد هزار نفر می‌رسید، به داخل ایران کوچ کردند.

## بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر، موضوع‌های زیر را به بحث بگذارید: الف) چرا بیشتر مهاجران عرب جذب مناطق خراسان و سیستان شدند؟ ب) تداوم اختلافات کهن قحطانی و عدناتی در میان مهاجران، چه پیامدی برای خلافت امویان در ایران و به خصوص خراسان داشت؟ پ) مهاجرت گسترده اعراب مسلمان به ایران از نظر اجتماعی و فرهنگی چه نتایجی می‌توانست داشته باشد؟

### جنبش‌های ایرانیان در دو قرن نخست هجری

#### الف) جنبش‌های دوران خلافت امویان

خلافت اموی در حقیقت یک دولت عرب‌گرا بود و نسبت به غیرعرب‌ها، خشونت و نفرت خاصی نشان می‌داد و به تحقیر آنان می‌پرداخت. ایرانیان به خصوص مسلمانان ایرانی که موالی خوانده می‌شدند، در برابر رفتار تحقیرآمیز و قوم‌گرایانه بنی‌امیه، در دو بُعد سیاسی - نظامی و اجتماعی - فرهنگی عکس‌العمل نشان دادند و به مبارزه پرداختند.

#### ۱- جنبش‌های سیاسی - نظامی

ایرانیان که از بیدادگری امویان نسبت به خود و اهل‌بیت رسول خدا به ستوه آمده بودند، از هر فرصتی برای مبارزه با خلافت بنی‌امیه و پیوستن به قیام‌های ضد اموی استفاده کردند. در درس ۶ این قیام‌ها را که در نهایت به سقوط حکومت امویان انجامید، مطالعه و بررسی کردید.

#### ۲- جنبش اجتماعی - فرهنگی

در بُعد اجتماعی و فرهنگی، گروهی از اندیشمندان، شاعران و نویسندگان ایرانی با سیاست تعصب و تفاخرطلبی قومی و قبیله‌ای امویان به مخالفت برخاستند و با استناد به آیات قرآن و روایات پیامبر، بر برابری تمامی اقوام تأکید کردند. البته عده‌ای از آنان در این کار افراط کردند و از طریق مقایسه زندگی

بیشتر اعراب مهاجر با همان زندگی بدوی و خانه‌به‌دوشی در واحه‌های اطراف شهرها و روستاها مستقر شدند؛ تعدادی نیز در شهرها سکونت گزیدند و محله‌هایی خاص خود به وجود آوردند. مجاورت اعراب در ابتدا برای ایرانیان ناخوشایند بود و از این‌رو، در برخی جاها مانند قم، با آنان درگیر شدند و در مواردی دیگر ساکنان محلی، آن منطقه را ترک کردند. به تدریج شرایط مناسبی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری میان ایرانیان با مهاجران عرب، نخست در زمینه تجارت و کشاورزی و سپس در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به وجود آمد و کم‌کم مهاجران جذب فرهنگ ایرانی شدند.

#### پ) عصر خلافت عباسیان

با روی کار آمدن خاندان بنی‌عباس و انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد، شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی به نفع ایرانیان تغییر محسوسی یافت. برخی از سیاستمداران و دیوان‌سالاران ایرانی در حکومت عباسیان، به مناصب سیاسی و نظامی مهمی مانند وزارت، فرماندهی سپاه و حکومت شهرها و مناطق دسترسی پیدا کردند و از نفوذ و قدرت خود برای ترقی جایگاه ایران و ایرانیان در دستگاه خلافت استفاده کردند. با این حال، تداوم سلطه اعراب بر ایران و برخی اقدام‌های عباسیان، زمینه ناخشنودی و مخالفت ایرانیان با خلافت عباسی را فراهم آورد.

ایرانیان باستان با زندگی اعراب عصر جاهلیت، به تحقیر قوم عرب پرداختند. اینان به شعوبیان معروف شدند. جنبش شعوبی در دوره اول عباسیان نیز همچنان در عراق فعال بود.

### ب) جنبش‌های عصر خلافت عباسیان

گرچه خاندان بنی عباس با کوشش ایرانیان به حکومت رسیدند، اما تداوم سلطه اعراب و برخی اقدام‌های خلفای عباسی از قبیل قتل ابوسلمه خلیل و ابومسلم، نابودی خاندان‌های برمکیان و سهل و سختگیری و ستم به شیعیان و اهل بیت پیامبر، نارضایتی و خشم مردم ایران را برانگیخت و زمینه‌ساز

قیام‌های مختلفی در گوشه و کنار کشور شد. مهم‌ترین آنها جنبش‌هایی بود که به خونخواهی ابومسلم و یا تکریم خاطره او صورت گرفت و برای سال‌های متمادی عباسیان را به زحمت انداخت. رهبران این جنبش‌ها دارای ترکیبی از عقاید دینی و فلسفی اسلامی و غیراسلامی مانند زرتشتی، مانوی و مزدکی بودند. هرچند این جنبش‌ها سرکوب شدند، اما سلطه خلفای عباسی را بر مناطق شرقی ایران، به ویژه خراسان، سست کردند و زمینه مناسبی برای شکل‌گیری سلسله‌های ایرانی در آن مناطق فراهم آورد.

### جنبش‌های ایرانی در دوره اول خلافت عباسیان

جنبش سنباد	سنباد یکی از سرداران زرتشتی ابومسلم و به قولی نایب او بود، که پس از قتل ابومسلم به دست منصور، خلیفه عباسی (۱۳۷ق)، به خونخواهی او در نیشابور قیام کرد. این قیام، کوتاه ولی خونین و هولناک بود. عده زیادی از پیروان ادیان و مذاهب مختلف در خراسان، ری و طبرستان به دور او گرد آمدند. سنباد به سرعت نیشابور، قومس، ری و قزوین را گرفت؛ ولی در جنگ با سپاه عباسی شکست خورد و اندکی بعد به دست اسپهبد طبرستان کشته شد. دسته‌ای از هواداران سنباد، پس از مرگش به وی وفادار ماندند.
جنبش اسحاق ترک	اسحاق ترک یکی از داعیان ابومسلم و شخصیتی برجسته در میان سپاه‌جامگان بود و چون در میان ترکان ماوراءالنهر فعالیت می‌کرد، به اسحاق ترک معروف شد. وی مردم را به ابومسلم دعوت می‌کرد و مدعی بود که ابومسلم، فرستاده زرتشت است، نمرده؛ در کوه‌های ری مقیم است و در وقت معین خروج خواهد کرد. وی تنها به دعوت اکتفا کرد و هیچ‌گونه روبرویی میان او و پیروانش با مأموران خلافت روی نداد.
جنبش استادسیس	یکی از گسترده‌ترین جنبش‌هایی که با خاطره ابومسلم گره خورده، جنبش استادسیس در بادغیس خراسان بود که حدود سال ۱۵۰ق آغاز شد. با شروع جنبش استادسیس، گروه‌های زیادی از مردم با بیل، پارو و تبر با او همراه و هم‌داستان شدند. دامنه جنبش او به سیستان نیز سرایت کرد. استادسیس، با شکست عاملان خلافت، بر بسیاری از شهرها و مناطق خراسان دست یافت و بر سپاهیان عباسی در چند جنگ پیروز شد، اما سرانجام از سپاه خلیفه شکست خورد (۱۵۱ق) و در اسارت کشته شد. جنبش استادسیس هم صبغه دینی داشت. گفته شده است که او ادعای پیغمبری داشت و خود را یکی از موعودهای زرتشت می‌شمرد که به اعتقاد زرتشتیان پس از هر هزاره ظهور می‌کنند.
جنبش مقنع	مقنع که از سرهنگان ابومسلم بود به تناسخ گرایید و مدعی شد روح خدا در جسم ابومسلم و روح ابومسلم در جسم او (مقنع) حلول کرده است. یاران او که بیشتر از روستاییان و موالی ماوراءالنهر و خراسان بودند، برای نشان دادن مخالفت خود با عباسیان، لباس سفید به تن کردند و به سپیدجامگان معروف شدند. جنبش دینی - سیاسی مقنع حدود چهارده سال در ماوراءالنهر عاملان خلافت را به خود مشغول کرد و سرانجام با ناپدید شدن رهبر جنبش در قلعه‌ای که محاصره شده بود، به پایان رسید (۱۶۳ق).
جنبش بابک	جنبش بابک خرم‌دین یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌هایی بود که در پیوند با نام و خاطره ابومسلم آغاز شد و سال‌های طولانی مایه وحشت خلیفه بغداد شد. خرم‌دینان، به رهبری بابک، قلعه‌ای مستحکم را در آذربایجان پایگاه خود قرار دادند و با نیروهای خلافت عباسی و عاملانش به مبارزه پرداختند. خرم‌دینان که گرایش مزدکی داشتند، مرگ ابومسلم را انکار می‌کردند و معتقد بودند که ابومسلم باز خواهد گشت تا عدالت را در جهان برقرار کند. این جنبش سرانجام توسط افشین، سردار ایرانی که به فرمان معتمد خلیفه عباسی مأمور جنگ با بابک شده بود، از میان برداشته شد. بابک که به اسارت درآمده بود، در بغداد به طرز بی‌رحمانه‌ای کشته شد (۲۲۳ق).

## فعالیت ۳

مطالب جدول بالا را به دقت بخوانید و پاسخ پرسش‌های زیر را از آن استخراج و استنباط کنید.

۱- از نظر دینی و مذهبی، جنبش‌های مذکور چه وجه مشترکی داشتند؟

۲- به لحاظ سیاسی، نکته مشترک جنبش‌های فوق چیست؟

۱- واژه شعوب از آیه ۱۳ سوره حجرات اقتباس شده است که شعوبیان برای تأیید افکار خود به آن استناد می‌کردند.



### فکر کنیم و پاسخ دهیم

صلح‌نامه‌هایی که میان ایرانیان و اعراب مسلمان در جریان فتح ایران منعقد شد، حاوی چه شواهدی دربارهٔ روند اسلام‌پذیری مردم ایران هستند؟



مسجد فهرج - یزد

اجتماعی و نیز گرفتن جزیه از نومسلمانان، از جملهٔ این رفتارهای ناصواب بود.

به دنبال بهبود موقعیت سیاسی و اجتماعی ایرانیان در عصر خلافت عباسیان، گرایش به اسلام در ایران شتاب گرفت و سرانجام با روی کار آمدن سلسله‌های ایرانی در گوشه و کنار ایران، بیشتر ایرانیان مسلمان شدند.

### روند اسلام آوردن مردم ایران

شواهد و مستندات تاریخی دلالت بر آن دارد که روند اسلام‌پذیری ایرانیان تدریجی بوده است. اگرچه بیشتر شهرها و مناطق ایران در کمتر از ۲۰ سال به تسخیر اعراب مسلمان درآمد، اما روند پذیرش اسلام، چندین قرن به طول انجامید.

از اشاره‌های کوتاه منابع تاریخی می‌توان فهمید که در خلال فتح ایران، عدهٔ کمی از ایرانیان به اسلام گرویدند. تعدادی از دهقانان و دیگر بزرگان محلی و دسته‌هایی از جنگاوران، از جمله گروه‌هایی بودند که در جریان فتح ایران مسلمان شدند؛ برای نمونه، در جنگ قادسیه، دسته‌ای از سپاه ساسانیان به دین اسلام درآمدند و به اعراب پیوستند. ساکنان شهر پادگان قزوین نیز همگی یکجا مسلمان شدند. در دوران خلافت بنی‌امیه نیز روند پذیرش اسلام در ایران کند بود. رفتار غیراسلامی برخی از حاکمان اموی، محدودیت‌ها و موانعی را بر سر راه گروش به اسلام ایجاد کرد. قرار دادن مسلمانان غیرعرب در ردیف موالی و محروم کردن آنان از پاره‌ای حقوق

## فعالیت ۴

### بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و توضیح دهید که چه برداشتی از آن دربارهٔ روند مسلمان شدن ایرانیان در فارس دارید. ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد اصطخری (استخری) (د ۳۴۶ق) از مردم استخر فارس در کتاب جغرافیایی مسالک و ممالک در خصوص دین مردم فارس می‌نویسد: «در پارس گبرکان<sup>۱</sup> و ترساآن<sup>۲</sup> و جُهودان<sup>۳</sup> باشند، و غلبه گبرکان دارند. و جهودان اندکی باشند، و کتاب‌های گبرکان و آتشکده‌ها و آداب گبرکی هنوز در میان پارسیان هست. و به هیچ ولایت اسلام چندان گبر نباشد کی در ولایت پارس - کی دار مُلک ایشان بودست» (اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۱۲۱).

۱- زرتشتیان ۲- مسیحیان ۳- یهودیان

## عوامل مؤثر در اسلام آوردن مردم ایران

پ) مهاجرت گسترده اعراب مسلمان به ایران، زمینه‌ساز آشنایی تدریجی ایرانیان با اسلام و گرویدن به آن شد. سادات علوی و شیعیانی که برای نجات از ظلم امویان و عباسیان به میهن ما پناه آوردند، نقش مهمی در این زمینه داشتند. ساکنان شهر قم و نیز شمار زیادی از مردم مازندران و گیلان، در نتیجه مهاجرت گروهی از شیعیان و علویان به دیار آنان، با اسلام آشنا و مسلمان شدند. حضور امام رضا علیه السلام و امامزادگان در ایران نیز بر توجه و گرایش اجداد ما به اسلام تأثیر داشت.

الف) اسلام دینی جهانی است و تمام مردم جهان مخاطب آن به‌شمار می‌روند. پیام برادری و برابری اسلام و سادگی مناسک و آداب اسلامی، از جمله جذابیت‌های این دین برای ایرانیان بود. ب) ساکنان ایران، خواه زرتشتی و خواه مسیحی و یهودی، یکتاپرست و معتقد به بهشت و جهنم و ظهور منجی بودند؛ بنابراین، درک و پذیرش جهان‌بینی توحیدی و پیام مکتب اسلام، برای آنان چندان دشوار و ناخوشایند نبود.



ضریح حرم حضرت معصومه علیها السلام - قم



حرم حضرت شاهچراغ علیه السلام - شیراز

## پرسش‌های نمونه

- ۱) زمینه‌های سیاسی شکست حکومت ساسانیان از اعراب مسلمان را شرح دهید.
- ۲) روند فتح ایران پس از جنگ نهاوند، چگونه پیش رفت؟
- ۳) علل جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ایرانیان را در دوران خلافت امویان توضیح دهید.
- ۴) چرا روند اسلام‌پذیری ایرانیان در سده نخست هجری کند بود؟
- ۵) منابع تاریخی را که در این درس به آنها استناد شده‌است، فهرست کنید.
- ۶) نمودار خط زمان دو قرن اول هجری را ترسیم کنید و رویدادهایی را که در این درس به آنها اشاره شده‌است، بر روی آن نشان دهید.

## درس ۹ ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی

از ابتدای قرن سوم تا نیمه قرن پنجم هجری، ایرانیان سلسله حکومت‌هایی تشکیل دادند و به تدریج مناطق مختلف ایران را از زیر سلطه مستقیم خلفای عباسی خارج کردند. در این دوره بود که تمدن ایرانی-اسلامی به اوج گسترش و شکوفایی رسید. در این درس، شما ضمن جست‌وجو و ارزیابی شواهد و مدارک تاریخی، برخی از جنبه‌های مهم سیاسی، علمی و فرهنگی و اقتصادی تمدن ایرانی-اسلامی را شناسایی و بررسی خواهید کرد.

### سلسله‌های ایرانی مسلمان

#### بحث و گفت‌وگو

با توجه به اینکه نخستین سلسله مسلمان ایرانی یعنی طاهریان در خراسان شکل گرفت، با راهنمایی دبیر و با توجه به مطالبی که در درس‌های قبل خواندید، درباره جایگاه و اهمیت سیاسی و اجتماعی خراسان و نقشی که خراسانیان در تحولات سیاسی قلمرو خلافت داشتند، بحث و گفت‌وگو کنید.



قلمرو فرمانروایی طاهریان

#### الف) زمینه‌های تأسیس

فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در دو قرن نخست هجری، زمینه را برای شکل‌گیری سلسله‌های ایرانی و در پی آن تغییر اوضاع سیاسی ایران در سده‌های سوم و چهارم هجری فراهم آورد. سرآغاز این تغییر، هنگامی بود که طاهربن حسین مشهور به ذوالیمینین از سوی مأمون، خلیفه عباسی به حکومت خراسان منصوب شد (۲۰۵ ق). تشدید جنبش‌های ضد خلافت در ایران، مأمون را متوجه این نکته کرد که باید تغییری در شیوه اداره قلمرو خلافت ایجاد کند؛ از این رو، حکومت خراسان را به طاهر، سردار ایرانی خود سپرد. پس از طاهر، حکومت خراسان در خاندان او موروثی شد و بدین‌گونه نخستین سلسله مسلمان ایرانی شکل گرفت. پس از آن با افول قدرت عباسیان در قرن‌های سوم و چهارم هجری، سلسله‌های

حکومتی دیگری در گوشه و کنار ایران روی کار آمدند. صفاریان، سامانیان، علویان طبرستان، زیاریان و آل‌بویه از جمله این سلسله‌ها به شمار می‌روند.

## سلسله‌های مسلمان ایرانی در سده‌های سوم، چهارم و پنجم هجری

دوره حکومت	طاهریان	علویان طبرستان	صفاریان	سامانیان	زیاریان	آل بویه	روادیان	آل حسَنویه
۲۰۵-۲۵۹ق	۲۵۰-۳۱۶ق	۲۴۷-۳۹۴ق	۲۰۴-۳۹۵ق	۳۱۹-۴۸۳ق	۳۲۰-۴۵۴ق	قرن ۴ق	۳۴۸-۴۰۵ق	
مؤسس	طاهر ذوالیمینین	حسن بن زید	یعقوب لیث صفاری	امیر اسماعیل سامانی	مرداویج زیاری	پسران بویه: علی، حسن و احمد	محمد بن حسن روادی	حَسَنویه بن حسین کرد
محدوده قلمرو	خراسان و سیستان	طبرستان و گرگان	سیستان <sup>۱</sup>	خراسان و ماوراءالنهر	طبرستان و گرگان <sup>۲</sup>	شمال، جنوب، غرب ایران و عراق	آذربایجان	کردستان، کرمانشاه، همدان و لرستان
پایتخت	مرو، نیشابور	آمل	زرنگ (زرنج)	بخارا	اصفهان گرگان	ری، شیراز، بغداد	تبریز	دژ سَرمَاج در نزدیکی بیستون

## فعالیت

### ترسیم نمودار خط زمان

با توجه به مطالب جدول بالا، نمودار خط زمان تاریخ ایران را در سده‌های سوم تا پنجم هجری ترسیم کنید.

### (ب) خاستگاه اجتماعی و جغرافیایی

آورده بودند. سادات علوی نقش مؤثری در ترویج اسلام در میان ایرانیان به ویژه ساکنان طبرستان، دیلم و گیلان داشتند و با رفتار و اخلاق پسندیده خود، مورد اعتماد توده‌های مردم قرار گرفتند. برخی از بنیان‌گذاران نخستین سلسله‌های مسلمان ایرانی، از میان مردم عادی برخاستند و قدرت را به دست گرفتند. یعقوب لیث صفاری، رویگرزاده‌ای از دهی به نام قرنین در سیستان بود. او فعالیت اجتماعی و سیاسی خود را با شرکت در گروه عیاران و جوانمردان سیستان و جنگ علیه خوارج آنجا آغاز کرد. سلسله آل بویه را پسران ابوشجاع بویه (علی، حسن و احمد) از اهالی دیلم تأسیس کردند. بویه شغل صیادی را رها کرد و به همراه پسرانش حرفه نظامی‌گری را برگزید و به خدمت سرداران دیلمی درآمد.

سلسله‌های طاهریان و سامانیان، ریشه در خاندان‌های کهن دهقانی منطقه خراسان و ماوراءالنهر داشتند. در واقع این دو سلسله را دودمان‌های زمین‌داری پایه‌گذاری کردند که از قدرت و نفوذ اقتصادی و پشتوانه اجتماعی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای در دیار خود برخوردار بودند. دهقانان در سده‌های نخستین هجری، علاوه بر مشارکت در امور محلی، نقش مهمی در حفظ و انتقال فرهنگ ایرانی از دوره باستان به دوره اسلامی ایفا کردند. حسن بن زید، بنیان‌گذار حکومت علویان طبرستان و جانشینان او از سادات علوی شیعه مذهب به شمار می‌رفتند که برای رهایی از ستم خلفای عباسی، به ایران و به ویژه منطقه طبرستان پناه

۱- دامنه قدرت صفاریان در زمان یعقوب لیث و برادر و جانشین او (عمرو) به مناطق وسیعی از شرق، جنوب و مرکز ایران می‌رسید.

۲- قلمرو زیاریان در دوران کوتاه حکومت مرداویج (۳۱۹-۳۲۳ق) شامل مناطق وسیعی از مرکز، شمال، جنوب و غرب ایران می‌شد.



### رویگرزاده عیارپیشه



مجسمه یعقوب لیث - زابل

«در سیستان آن عهد، خاطره پهلوانی‌های خاندان زال و سام نریمان در افواه بود و حتی آخورگاه رخس، اسب افسانه‌ای رستم داستانی را در آنجا [زادگاه یعقوب] نشان می‌دادند و این نکته رواج قصه‌های پهلوانی عهد کیانی را در آن ایام همچنان قابل ملاحظه نشان می‌داد و جوانان و پهلوانان شهر را البته تحت تأثیر قرار می‌داد.

در چنین محیطی و احوالی، خاطر رویگرزاده پهلوان و عیارپیشه قرنین از تأثیر قصه‌های رستم و جنگجویی‌های پهلوانی او متأثر بود و تحت تأثیر همین احوال بود که او از همان ایام جوانی، پُتک و چکش رویگری را کنار نهاد و آن را به شمشیر و سلیح جنگاوری تبدیل کرد. در آغاز کار، به راهزنی افتاد، اما شیوه عیاری او را از تعدی در حق فقرا و مظلومان مانع آمد و از او یک پهلوان مردمی، مردم‌پسند و محبوب ساخت. پسر لیث با دسته کوچک عیاران خود که آوازه سخاوت و جلادت و فتوتش، تعداد آنها را هر روز بر گرد وی می‌افزود، توانست در بین دسته‌های غازیان و مُطّوعه<sup>۱</sup> محلی، حیثیت و اعتبار قابل ملاحظه‌ای کسب کند. ... چون رهبری جنگجویان ضد خوارج به عهده او افتاد، تدریجاً در دفع آشوب‌های محلی هم توفیق یافت و این توفیق، اهالی سیستان را به فرمانبرداری از او و حمایت تشویق و الزام کرد» (عبدالحسین زرین کوب، روزگاران، تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۳۷۳ - ۳۷۴).

۱- به جنگاورانی که داوطلبانه در مناطق مرزی برای جهاد با کافران حضور می‌یافتند، مُطّوعه گفته می‌شد.

### فکر کنیم و پاسخ دهیم

نسب بیشتر بنیان‌گذاران سلسله‌های مسلمان ایرانی از جمله طاهریان، سامانیان، صفاریان، آل‌بویه و زیاریان را به یکی از شاهان و سرداران ساسانی از قبیل خسرو انوشیروان، خسرو پرویز و بهرام چوبین و یا پهلوانان اساطیری مانند رستم رسانده‌اند. به نظر شما دلیل این نسب‌سازی چه بوده است؟

### کاوش خارج از کلاس

با استفاده از منابعی که دبیر معرفی می‌کند، درباره موقعیت اجتماعی عیاران و شیوه فعالیت‌های آنان در قرون نخستین هجری، مطالبی را تهیه و در کلاس ارائه کنید.

### پ) شیوه کسب قدرت

بسیاری از سلسله‌هایی که در این دوره روی کار آمدند، بدون اجازه و تأیید خلیفه قدرت را به دست گرفتند. یعقوب لیث صفاری، بنیان‌گذار حکومت صفاریان، حسن بن زید، مؤسس حکومت علویان طبرستان و مرداوینج بریاکننده سلسله زیاریان و پسران بویه که سلسله آل‌بویه را بنیان نهادند، از آن جمله بودند.

بنیان‌گذاران برخی از سلسله‌های ایرانی مانند طاهریان و سامانیان، با فرمان خلیفه عباسی به حکومت رسیدند. همچنین انتقال قدرت از امیری به امیر دیگر نیز در این حکومت‌ها با فرمان و تأیید خلیفه صورت می‌گرفت. در مقابل، بنیان‌گذاران

### بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و بگویید چه دلالتی بر شیوه کسب قدرت توسط یعقوب لیث صفاری دارد. «هنگامی که یعقوب به نیشابور، پایتخت طاهریان حمله کرد، محمدبن طاهر، امیر طاهری به او پیغام داد اگر به فرمان امیرالمؤمنین [خلیفه عباسی] آمده‌ای، عهد و منشور عرضه کن تا ولایت به تو سپارم و گرنه بازگرد. چون رسول به نزد یعقوب رسید و پیغام بگذارد، یعقوب شمشیر از زیر مصلی بیرون آورد و گفت عهد و لوای من این است» (گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۳۰۹).

### (ت) روابط با خلافت عباسی

جنگ با سپاهیان خلیفه و لشکریان طاهریان و سامانیان که متحد

خلافت بودند، سپری شد. صفاریان: رابطه صفاریان با خلافت عباسی فراز و نشیب زیادی را طی کرد. با آنکه یعقوب بدون فرمان و بی‌اجازه خلیفه عباسی به قدرت رسید، اما موفقیت‌های او در سرکوب خوارج و جهاد با کفار مرزهای شرقی، موجب شد که خلیفه فرمان حکومت سیستان، کابل و بلخ را برای وی بفرستد. با این حال، پس از حمله یعقوب به نیشابور و از میان برداشتن حکومت طاهریان و سپس لشکرکشی ناموفق امیر صفاری به بغداد، روابط دو طرف به خصومت گرایید. در زمان عمرو لیث، برادر و جانشین یعقوب، دشمنی و درگیری میان صفاریان و خلافت عباسی کمتر شد؛ امیر صفاری نسبت به خلیفه اظهار تبعیت کرد و به نام او خطبه خواند و خلیفه نیز حکومت عمرو را بر مناطقی که در اختیار داشت، تأیید کرد. با وجود این، عباسیان همچنان به صفاریان بی‌اعتماد بودند. از این رو، در جنگ میان عمرو با امیر اسماعیل سامانی، خلیفه جانب سامانیان را گرفت و پس از آنکه در این جنگ عمرو به اسارت درآمد و به بغداد فرستاده شد، خلیفه ناجوانمردانه دستور به قتل او داد.

سلسله‌های حکومتی که در سده‌های سوم تا پنجم بر مناطق مختلف ایران فرمان می‌راندند، روابط متفاوتی با خلافت عباسی داشتند. طاهریان و سامانیان عموماً نسبت به خلفای بنی‌عباس اظهار اطاعت ظاهری می‌کردند و در مواردی با دشمنان خلافت مانند علویان طبرستان و خوارج در سیستان سر ستیز داشتند. اظهار اطاعت این امیران نسبت به خلافت، به قدرت آنان در نظر عامه مردم مسلمان، مقبولیت و مشروعیت می‌بخشید. با این حال، حاکمان طاهری و سامانی در اداره امور قلمرو خود استقلال کامل داشتند و با اراده و اختیار خود درباره مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سرزمین‌های تحت فرمان، تصمیم‌گیری و عمل می‌کردند. علویان طبرستان: روابط حکومت علویان طبرستان با خلافت عباسی همواره خصومت‌آمیز بود؛ زیرا امیران شیعه‌مذهب این سلسله که از سادات علوی به شمار می‌رفتند، خود مدعی خلافت بودند و عباسیان را غاصب خلافت می‌شمردند. از این رو، بیشتر دوران حکومت علویان طبرستان (۲۵۰-۳۱۶ق) به کشمکش و

### قضاوت کنید

متن زیر را بخوانید و درباره دلیل یعقوب لیث صفاری برای بی‌اعتمادی به خلافت عباسی، قضاوت کنید. «یعقوب بسیار گفتی که دولت عباسیان بر غدر و مکر بنا کرده‌اند؛ نبینی که با بوسلمه [بوسلمه خلال] و بومسلم [بومسلم] و آل برامکه و فضل بن سهل چندان نیکویی کایشان را اندر آن دولت بودند، چه کردند؟ کسی مبادا که بر ایشان اعتماد کند» (تاریخ سیستان، ص ۲۶۷-۲۶۸).

آل‌بویه: روابط آل‌بویه با خلافت عباسی با روابط سایر سلسله‌های ایرانی با عباسیان تفاوت داشت. یکی از مؤسسان حکومت آل‌بویه (احمد) با مشاهدهٔ اوضاع نابسامان خلافت، بغداد را تسخیر کرد اما خلافت را از بین نبرد. امیران آل‌بویه بیش از یک قرن خلافت عباسی را تحت سلطهٔ خود داشتند و عزل و نصب خلیفه به میل آنان انجام می‌گرفت. البته آنان حرمت و شأن خلافت را نگه می‌داشتند و چنین وانمود می‌کردند که تابع خلیفه هستند.

زیاریان: روابط زیاریان نیز با خلافت عباسی فراز و نشیب زیادی داشت. مرداویج با شکست سپاهیان خلیفه، شهرها و ولایات مختلف ایران را گرفت و عاملان خلیفه را از آنجا راند. مرداویج حتی خیال حمله به بغداد و نابودی خلافت عباسی را در سر می‌پروراند؛ اما پیش از اقدام به این کار، توسط غلامان شورشی خود کشته شد. جانشینان وی که قلمروشان به گرگان و طبرستان محدود شده بود، از بلندپروازی مرداویج دست کشیدند و نسبت به خلیفهٔ بغداد اظهار اطاعت کردند.

### فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا امیران آل‌بویه پس از فتح بغداد، خلافت عباسی را از بین نبردند؟



قلمرو سامانیان و آل‌بویه



بند امیر از آثار دوره عضدالدوله فرمانروای آل بویه - مرودشت فارس

سلسله‌های حکومتی مستقلی برپا کردند، روند اسلام‌پذیری شتاب بیشتری گرفت و بیشتر مردم ایران در دوره آنان به دین اسلام درآمدند. امیران سلسله‌های علویان طبرستان و آل بویه، پیرو مذهب تشیع بودند و به تقویت و گسترش آن مذهب در ایران کمک کردند. در عصر آل بویه، مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در عاشورا و جشن عید غدیر خم با شکوه و عظمت برگزار می‌شد. همچنین در آن دوره، حرم امامان شیعه در عراق مرمت و بازسازی شد و سنت زیارت رو به گسترش نهاد.

## فرهنگ و تمدن الف) زبان فارسی

اگرچه با ورود اسلام به ایران، زبان عربی، زبان حکومت و دین شد، اما زبان فارسی دری که در واقع صورت تحول یافته فارسی میانه (پهلوی) بود، همچنان در میان عامه مردم در بیشتر سرزمین‌های ایرانی رواج داشت. به مرور زمان حتی بسیاری از اعراب مهاجر به میهن ما نیز جذب زبان فارسی و فرهنگ ایرانی شدند.

تأسیس حکومت‌های ایرانی در سده سوم هجری، سرآغازی بر توجه و حمایت رسمی از زبان و ادب فارسی بود. یعقوب لیث که امیری میهن‌دوست و علاقه‌مند به فرهنگ ایرانی بود، شاعران را به سرودن شعر فارسی تشویق می‌کرد.

## ث) آثار و پیامدها

به قدرت رسیدن سلسله‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری آثار و پیامدهای عمیق و گسترده‌ای بر ایران و ایرانیان داشت. البته میزان اثرگذاری همه امیران و سلسله‌ها به یک اندازه نبود. ظاهر ذوالیمینین و یعقوب لیث صفاری و نیز امیران سلسله‌های سامانیان و آل بویه که بر قلمرو وسیع تری فرمان می‌راندند، به مراتب تأثیر بیشتری داشتند.

در اینجا، به اختصار، به برخی از این تأثیرات می‌پردازیم. **سیاسی - اجتماعی:** مهم‌ترین پیامد سیاسی ظهور حکومت‌های ایرانی، کاهش و زوال تدریجی سلطه سیاسی - نظامی خلفای عباسی بر ایران بود. همچنین پس از آنکه اداره امور مناطق مختلف کشور در اختیار کارگزاران ایرانی قرار گرفت، به مرور، آرامش نسبی بر جامعه حکم فرما و از شدت آشوب‌ها و جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی کاسته شد. با این حال برخی از امیران سلسله‌های یاد شده به سبب تمایلات توسعه‌طلبانه و یا به واسطه تشویق و تحریک خلفای عباسی، به رقابت و ستیز با یکدیگر پرداختند.

**اقتصادی:** در فاصله سده‌های سوم تا پنجم هجری به ویژه در دوران حکومت‌های طاهریان، سامانیان و آل بویه فعالیت‌های اقتصادی از رونق مناسبی برخوردار بود. در آن زمان کشاورزی، تجارت و صنعت رشد چشمگیری یافت. به واسطه چنین رشدی بود که شهر و شهرنشینی در قلمرو آل بویه گسترش یافت. بخارا، نیشابور، ری، اصفهان، شیراز و همدان از جمله شهرهای بزرگ و آباد آن عصر بودند.

برقرار شدن آرامش و امنیت نسبی، قرار گرفتن زمام کارها به دست امیران و وزیران با تدبیر و علاقه‌مند به عمران و آبادانی و استقرار نظام دیوانی منظم و منسجم، از جمله عوامل رونق اقتصادی و رشد شهرنشینی در زمان سامانیان و آل بویه بود. **مذهبی:** پس از آنکه امیران ایرانی قدرت را به دست گرفتند و





آرامگاه فردوسی - توس (مشهد)

در عصر سامانیان زبان و ادب فارسی اوج گرفت. امیران و وزیران ایران دوست و فرهنگ‌پرور سامانی زحمات فراوانی برای ترویج این زبان کشیدند. آنان شاعران و نویسندگان فارسی‌گو را تشویق و حمایت می‌کردند. رودکی پدر شعر فارسی در این زمان می‌زیست و مورد حمایت دربار سامانی بود. حکیم ابوالقاسم فردوسی نیز در اواخر دوره سامانی شروع به سرودن شاهنامه کرد. او پس از سقوط سامانیان، شاهنامه را به سلطان محمود غزنوی تقدیم کرد، اما این سلطان، قدر خدمت این شاعر بزرگ را ندانست و او را آزرده خاطر ساخت.

بسی رنج بردم درین سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

## کاوش خارج از کلاس

### شاهنامه

با استفاده از منابع و محتوایی که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، درباره زندگی و اقدامات فرهنگی حکیم ابوالقاسم

فردوسی تحقیق کنید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

۱- فردوسی چه جایگاه و موقعیت اجتماعی در روزگار خود داشت؟

۲- انگیزه فردوسی از سرودن شاهنامه چه بود؟

آن علوم نقش مهمی داشته‌اند.

در پی کار آمدن سلسله‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری، فعالیت‌های علمی و فکری ایرانیان دو چندان شد. در آن دوره دانشمندان بزرگی پا به عرصه نهادند، آثار علمی برجسته‌ای را پدید آوردند و روش‌های علمی تازه‌ای ابداع کردند. بدون شک، سلسله‌های ایرانی به ویژه سامانیان و آل‌بویه سهم بسزایی در رونق و شکوفایی علمی و فرهنگی عصر خود داشتند. امیران و وزیران فرهنگ‌پرور این سلسله‌ها، از یک سو، عالمان را مورد حمایت مادی و معنوی قرار دادند و از سوی دیگر، با مدارا و اجتناب از تعصب و تنگ‌نظری، شرایطی را فراهم آوردند که اهل علم و اندیشمندان پیرو مذاهب و دین‌های مختلف در امنیت و آسایش کامل فعالیت کنند.

علاوه بر آن، در دوره سامانیان، زبان فارسی به عنوان زبان علم و دین در کنار زبان عربی قرار گرفت و چندین اثر علمی و دینی به زبان فارسی تألیف و یا ترجمه شد. ترجمه و تلخیص تاریخ طبری با عنوان تاریخ بلعمی و ترجمه تفسیر طبری بر قرآن از آن جمله‌اند. همچنین در آن دوره، نخستین کتاب جغرافیایی به زبان فارسی با عنوان حدود العالم من المشرق الی المغرب نگارش یافت.

### ب) علم و آموزش

پیش‌تر خواندید که در دو قرن نخست هجری، ایرانیان نقش فعالی در تحولات جهان اسلام به ویژه تحولات علمی، فکری و فرهنگی ایفا کردند. نگاهی به تاریخ علم در حوزه تمدن اسلامی بیانگر آن است که عالمان و اندیشمندان ایرانی در تدوین بسیاری از رشته‌های گوناگون علوم پیشگام بوده‌اند و در رشد و گسترش

در سده‌های نخستین هجری، مساجد، مهم‌ترین مراکز آموزشی بودند و در مساجد بیشتر شهرهای ایران حلقه‌های درس بزرگی تشکیل می‌شد. به تدریج مدرسه‌هایی هم در شهرهای بزرگ به وجود آمد. از تجربیات و نهادهای آموزشی دوره باستان نیز استفاده می‌شد. مدرسه پزشکی جندی‌شاپور که در زمان ساسانیان آغاز به کار کرده بود، همچنان تا قرن سوم هجری به فعالیت خود ادامه داد.

## بیشتر بدانیم



### کتابخانه صاحب‌بن عباد

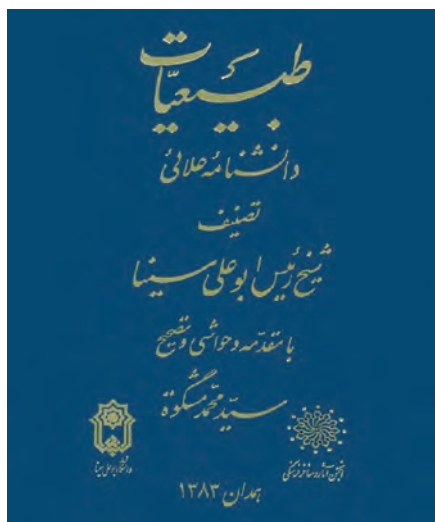
به همت صاحب‌بن عباد، وزیر ادیب و دانشمند آل‌بویه، کتابخانه بزرگی در ری شکل گرفت. تعداد کتاب‌های این کتابخانه را بیشتر از ۱۰۰ هزار جلد نوشته‌اند. هیچ یک از پادشاهان و وزراء، کتابخانه‌ای به عظمت کتابخانه او نداشته‌اند. گفته‌اند فهرست کتاب‌های آن کتابخانه خود ده جلد بود. پیش از صاحب، فرمانروایان و سیاستمداران معمولاً کتاب‌های خود را در گنجینه‌ای می‌نهادند و به شیفتگان کتاب و اهل علم اجازه استفاده از آنها را نمی‌دادند، اما صاحب، درهای کتابخانه خود را به روی دانش‌پژوهان و عموم طالبان علم باز گذاشت.

**۱- معارف اسلامی:** ایرانیان از گذشته‌های دور به خردورزی و علم‌دوستی شهرت داشتند. از ابتدای ورود اسلام به ایران، برخی از ایرانیانی که مسلمان شدند، به تدوین و ترویج معارف اسلامی، شامل علوم قرآنی، حدیث، فقه و کلام اهتمام ورزیدند. پس از آنکه در سده‌های سوم و چهارم هجری جمعیت کثیری از مردم ایران مسلمان شدند، توجه به علوم و معارف اسلامی فزونی یافت.

### برجسته‌ترین مفسران، محدثان، فقیهان و متکلمان ایرانی در سده‌های نخستین هجری

علم	عالم	دوره زندگی	آثار و تألیفات
تفسیر	محمدبن حسن توسی (شیخ توسی) محمدبن جریر طبری	۳۸۵. توس — ۴۶۰. ق. نجف ۲۲۴. آمل — ۳۱۰. ق. بغداد	تفسیر تبیان جامع‌البیان فی تفسیرالقرآن
حدیث	محمدبن یعقوب کلینی محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) مسلم بن حجاج نیشابوری	۲۵۵. کلین شهری — ۳۲۹. ق. بغداد ۳۰۵. قم — ۳۸۱. ق. شهری ؟. نیشابور — ۲۶۱. ق. نیشابور	کتاب الکافی، شامل یک دوره حدیث شیعه کتاب من لایحضره الفقیه، شامل ۵۹۲۰ حدیث شیعه صحیح مسلم یکی از کتاب‌های حدیث
فقه	محمدبن حسن توسی (شیخ توسی)	۳۸۵. توس — ۴۶۰. ق. نجف	کتاب‌های النهایه و مبسوط
کلام	فضل بن ابوسهل بن نوبخت	۲۳۷. ق. بغداد — ۳۱۱. ق. ؟	متکلم شیعه مذهب

و درمان بیماران مشغول بود. این اندیشمند بزرگ ایرانی، در طول زندگی خود بیش از ۱۰۰ اثر علمی برجای گذاشت که نیمی از آنها در موضوع فلسفه و نیمی در علوم دیگر است. علاوه بر آن، دهها اثر دیگر نیز به وی منسوب است. کتاب شفا یکی از بزرگترین دائرةالمعارف‌های علمی است که به دست این دانشمند عظیم‌القدر نوشته شده و در آن، علاوه بر فلسفه، به علوم طبیعی و ریاضی نیز پرداخته شده است. ابن‌سینا برای نخستین بار در **دانشنامه‌ی علایی** یک دوره فلسفه را به زبان فارسی تألیف کرد و این اثر، سهم بسزایی در مطرح کردن زبان فارسی به عنوان زبان علم داشت.



**۲- فلسفه:** در طول تاریخ کهن ایران، فلسفه همواره با فرهنگ این سرزمین عجیب بوده است. در ایران دوران اسلامی، فلسفه از شکوفایی فوق‌العاده‌ای برخوردار شد و فیلسوفان ایرانی نقش برجسته‌ای در ایجاد و گسترش مکتب‌های مهم فلسفی در جهان اسلام ایفا کردند.

ابونصر محمدبن محمد، معروف به **فارابی** (۲۵۷-۳۳۸ق) فیلسوف بزرگ ایرانی که از خراسان به بغداد رفت و سپس در دمشق سکونت گزید، فلسفه‌ی مسألی را که تلفیقی از جهان‌بینی اسلام و فلسفه‌ی ارسطویی و نوافلاطونی بود، پایه‌گذاری کرد. در سنت فلسفه‌ی اسلامی، فارابی را بعد از ارسطو که ملقب به معلم اول است، معلم دوم می‌خوانند. ابن‌سینا او را استاد خود دانسته و ابن‌رشدو دیگر فیلسوفان احترام زیادی برای او قائل شده‌اند.

بدون شک، برجسته‌ترین فیلسوف ایران و جهان اسلام کسی نیست جز **ابوعلی سینا** (۳۷۰-۴۲۸ق) که فلسفه‌ی مسألی را به اوج رسانید. ابن‌سینا پس از مهاجرت از زادگاهش بخارا، در شهرهای مختلف ایران به خصوص ری، اصفهان و همدان به فعالیت علمی

## بیشتر بدانیم



### ابن مسکویه رازی

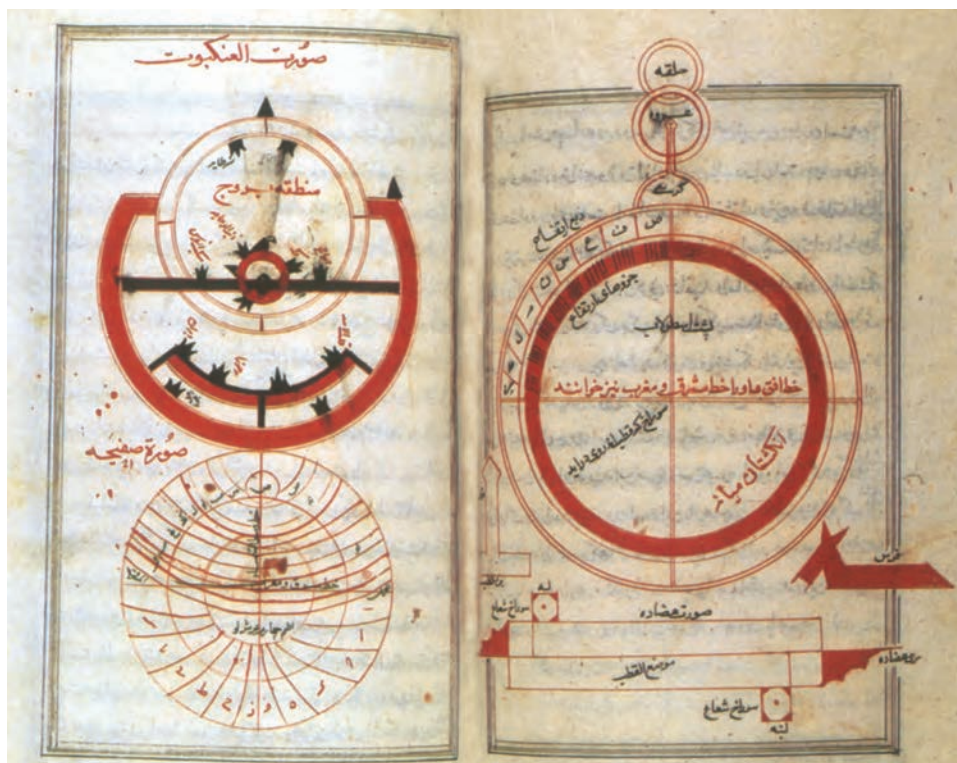
احمدبن محمد مسکویه رازی (۳۲۰-۴۲۰ق)، فیلسوف، ادیب، مورخ و منشی دربار آل‌بویه، در رشته‌های گوناگون تاریخ، علم کلام، فلسفه و پزشکی تبحر داشت. او به کیمیاگری علاقه‌مند بود. وی سال‌ها مصاحب و ندیم امیران آل‌بویه در بغداد و ری بود. بسیاری از مورخان، ابوعلی مسکویه را پیرو مذهب شیعه دانسته‌اند. **تجارب الامم** در علم تاریخ و **تهذیب الاخلاق** در علم اخلاق از مهم‌ترین آثار اوست.

فعالیت شدند.

بدون تردید یکی از برجسته‌ترین دانشمندان عصر طلایی تمدن ایرانی-اسلامی، ابوریحان محمدبن احمد بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ق. غزنه) است. بیرونی در ریاضیات، نجوم، گاهشماری، جغرافیا، هندشناسی و... مقام والایی داشت و به زبان‌های فارسی،

**۳- ریاضیات و نجوم:** ریاضیات و نجوم نیز از جمله علوم بودند که در دوران اسلامی به پشتوانه‌ی دانش و مهارت‌هایی که از تمدن ایران و سایر تمدن‌های باستانی به تمدن اسلامی انتقال یافته بود، پیشرفت خارق‌العاده‌ای کرد. تعداد قابل توجهی از ریاضی‌دانان و منجمان ایرانی به خدمت عباسیان درآمدند و در رصدخانه‌ی بغداد مشغول

عربی و سانسکریت مسلط بود. وی آثار ارزنده‌ای در این زمینه‌ها تألیف کرد. ابزارها و روش‌های ابداعی او برای تعیین طول و عرض جغرافیایی و اندازه‌گیری فاصله میان شهرها جالب است.



توصیف اسطرلاب در کتاب «التفهیم» بیرونی

مشهور شده است. جرج سارتن، پدر تاریخ علم، رازی را بزرگ‌ترین پزشک اسلام و قرون وسطا شمرده است. رساله آبله و سُرخک (الجَدْرِي و الحِصْبَة) او حاوی کهن‌ترین توصیف درباره بیماری آبله است و اثری ارزشمند در علم پزشکی به شمار می‌رود. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران تاریخ علم، ابن‌سینا یکی از برجسته‌ترین پزشکان تاریخ علم پزشکی به شمار می‌رود. دائرةالمعارف پزشکی او با عنوان قانون، نه فقط در ایران و جهان اسلام، که در اروپا نیز تا چندین قرن به عنوان یک منبع و مرجع معتبر پزشکی باقی ماند.

۴- پزشکی و داروسازی: دانش پزشکی ایران باستان از طریق مدرسه جندی‌شاپور به دوره اسلامی انتقال یافت و نخستین آثار مستقل پزشکی عصر اسلامی به دست استادان آن مدرسه نوشته شد. جرجیس بن جبرائیل (د پس از ۱۵۲ق) رئیس مدرسه جندی‌شاپور و پزشک پراوازه ایرانی به بغداد رفت و به دنبال او گروه دیگری از پزشکان آن مرکز علمی، راهی مرکز خلافت عباسی شدند. محمد زکریای رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق) پزشک، شیمی‌دان و فیلسوف ایرانی، آثار ماندگاری در زمینه پزشکی، شیمی و فلسفه نوشته و به عنوان کاشف الكل و جوهر گوگرد (اسید سولفوریک)



کتاب *الابنية عن حقایق الادویه*، اثری است کهن به زبان فارسی در علم داروسازی و داروشناسی که توسط ابومنصور علی بن موفق هروی، پزشک و داروشناس ایرانی که در سده‌های چهارم و پنجم هجری می‌زیسته، نوشته شده است. این کتاب حاوی خلاصه‌ای کلی و ارزشمند درباره داروشناسی است.

۵- سایر علوم و فنون: علاوه بر آنچه بیان شد، رشته‌های دیگر علمی مانند تاریخ، جغرافیا، ادبیات، فیزیک و شیمی نیز رواج و رونق داشت. ایرانیان مسلمان همچنین به اتکای تجربیات کهن خویش، در ساخت ابزارها و ادوات جنگی، حفَر قنات و ایجاد بناهای مختلف مانند مساجد، پل‌ها و سدها مهارت خوبی از خود نشان دادند. دانش و مهارت‌های ایرانیان باستان در حوزه هنر و صنایع به شکل‌های مختلف به دوران اسلامی منتقل شد.<sup>۱</sup>

### بحث و گفت‌وگو

برخی نویسندگان، سده‌های سوم تا پنجم هجری در تاریخ ایران را «عصر طلایی» نامیده‌اند. با توجه به مطالعه و کاوشی که در موضوع این درس انجام دادید، درباره درستی یا نادرستی این نسبت، بحث و دلایل خود را در تأیید یا رد آن بیان کنید.

## پ) توسعه دریانوردی و تجارت دریایی

### یادآوری

دریانوردان ایرانی در دوران باستان، حضوری گسترده و فعال در آب‌های شمال و جنوب فلات ایران و دریاهای آزاد داشتند. در آن دوران کشتی‌های ایرانی در مسیرهای دور و نزدیک دریایی در رفت و آمد بودند. تجهیزات صنایع دریایی، از جمله کشتی‌سازی، پیشرفت زیادی کرد و دریانوردان ایرانی دانش و تجربه گران‌بهای اندوختند. شناخت بادهای موسمی، تحول بزرگی در دریانوردی راه دور ایران در دوران باستان به وجود آورد.

هنگام سقوط ساسانیان، بنادر ایرانی در سواحل خلیج فارس، دریای عمان<sup>۲</sup> و دریای سرخ، آباد و پررونق بودند. در قرون نخستین هجری در نتیجه گسترش و یکپارچگی جغرافیای جهان اسلام، تجارت در مسیرهای زمینی و دریایی توسعه چشمگیری یافت. در آن زمان

۱- برای اطلاعات بیشتر درباره علوم و دانشمندان مسلمان ایرانی به جلد دهم *دائرة المعارف بزرگ اسلامی مدخل «ایران»* رجوع کنید.

۲- بندر اُبله در نزدیکی بصره کنونی و بندرهای مهربان، سینیز، گناوه، ریشهر (ریواردشیر) و سیراف در سواحل استان بوشهر کنونی و بندر نایند (ناوبند) در سواحل استان هرمزگان کنونی و بندرهای قُلّهات و ضحار در سواحل کشور کنونی عمان، از جمله بندرهای ایرانی در خلیج فارس و دریای عمان بودند.

دریانوردان و بازرگانان ایرانی به اتکای دانش و تجربیات فراوانی که در این زمینه داشتند، فعالیت خود را گسترش دادند. در فاصله سده‌های سوم تا پنجم هجری، تجارت دریایی خلیج فارس با هندوستان، چین، جنوب شرقی آسیا و حوزه شرق آفریقا گسترش یافت و اسلام توسط بازرگانان و دریانوردان ایرانی به سرزمین‌های مذکور راه یافت. در این سده‌ها، مراکز شهری در سواحل خلیج فارس رونق یافتند و بندر سیراف به یکی از مراکز مهم مبادلات اقتصادی منطقه‌ای و جهانی آن روزگار تبدیل شد.

## بیشتر بدانیم



### دانش دریانوردی

دریانوردان ایرانی تجربیات و اطلاعات خود را در کتابچه‌هایی با عنوان **رهنامه** که در واقع راهنمای سفرهای دریایی بود، ثبت و ضبط می‌کردند. این اطلاعات و دانستنی‌ها شامل بادهای موسمی و جهت وزش آن، نحوه تعیین موقعیت‌های دریایی، شیوه تعیین فواصل دریایی، نحوه استقرار بادبان‌ها در موقعیت‌های گوناگون، جهت‌یابی دریایی در شب و روز، شناسایی موقعیت ستارگان در شب، مسیرهای دریایی و موانع آن، بنادر و جزایر مشهور و نقشه‌های دریایی بود (اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران، ج ۲، ص ۳۴۸).



نقاشی کشتی روان بر روی آب از کتاب مقامات حریری

### پرسش‌های نمونه

- ۱) زمینه‌های سیاسی و اجتماعی شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی را در سده‌های سوم و چهارم هجری توضیح دهید.
- ۲) حکومت‌های طاهریان و سامانیان را با سلسله‌های صفاریان و آل بویه، از نظر نحوه به قدرت رسیدن و نوع رابطه، با خلافت عباسی مقایسه کنید.
- ۳) پیامدهای سیاسی و اجتماعی تأسیس حکومت‌های ایرانی مسلمان در سده‌های سوم تا پنجم هجری را تجزیه و تحلیل کنید.
- ۴) نقش سلسله‌های ایرانی را در پیشرفت و شکوفایی علوم و معارف اسلامی در سده‌های سوم تا پنجم هجری شرح دهید.
- ۵) منابع و تحقیقات تاریخی را که در این درس به آنها استناد شده است، فهرست کنید.

از اواخر قرن چهارم تا زمان حمله مغول در اوایل قرن هفتم هجری، سه سلسله غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان بر بخش‌هایی و گاه بر سراسر ایران حکومت کردند. در این دوران، ایران تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهمی را تجربه کرد. در این درس شما با بررسی شواهد و مدارک مختلف تاریخی، علل، آثار و نتایج تحولات مذکور را بررسی می‌کنید.

## تحولات سیاسی

### فکر کنیم و پاسخ دهیم

با راهنمایی دبیر و همفکری، توضیح دهید چه عاملی نقش مهمی در ورود ایران به دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان داشت؟

### ۱- غزنویان

هنگامه ضعف سامانیان، محمود، فرزند سبکتگین<sup>۱</sup> که سپهسالار سامانیان در خراسان بود، در شهر غزنه حکومتی مستقل تأسیس کرد که در تاریخ ایران به حکومت غزنویان مشهور است. وی سپس به تدریج بر تمامی نواحی خراسان و بخشی از قلمرو سامانیان سلطه یافت.

محمود همچون بسیاری از فرمانروایان هم‌عصر خود، از ابتدای تأسیس حکومت خود در پی کسب حمایت خلیفه عباسی برآمد. او بسیاری از اقدامات سیاسی - مذهبی خود را در پوشش جهاد در راه خدا (غزا) و به بهانه مبارزه با مخالفان خلافت عباسی انجام می‌داد. به همین دلیل به ری که تحت حاکمیت آل بویه شیعه مذهب بود، حمله کرد (۴۲۰ق) و پس از تصرف آن، بسیاری از علما و مردم شهر را به بهانه اسماعیلی بودن به قتل رساند و کتابخانه مهم آنجا را، به بهانه وجود کتاب‌های فلسفی، به آتش کشید.

در جریان لشکرکشی‌های مسلمانان به ماوراءالنهر و سرزمین‌های آن سوی رود سیحون در سده‌های نخست هجری، شماری از ترکان به صورت فردی و یا گروهی به دین اسلام گرویدند و به قلمرو اسلامی راه یافتند. عده زیادی از این ترکان، به دلیل استعداد خاصی که در امور نظامی داشتند، به خدمت دربار عباسیان و امیران مسلمان در مناطق مختلف قلمرو خلافت درآمدند؛ برخی از آنان حتی به مراتب و مناصب بالای نظامی دست یافتند. آلتگین از جمله این افراد بود که در دربار سامانیان به مقام سپهسالاری رسید. او در میانه قرن چهارم هجری قمری (۳۵۰ق) در شهر غزنه (غزنی/ غزنین) در کوهستان‌های نواحی شرقی افغانستان کنونی که مرز (نغر) شرقی سرزمین‌های اسلامی با هند غیرمسلمان محسوب می‌شد، زمینه ایجاد حکومتی محلی را فراهم کرد. در

۱- سبکتگین، غلامی ترک بود که به خدمت الپتگین درآمد و با ابراز شایستگی ترقی کرد. وی که داماد الپتگین بود از سال ۳۶۶ تا هنگام مرگش در ۳۸۷ ق حکومت غزنه را در اختیار داشت و نسبت به امیران سامانی اظهار وفاداری و فرمانبرداری می‌کرد.

از جمله حوادث مهم دوران حکومت محمود غزنوی، لشکرکشی‌های بی‌دریوی به هند بود. او به بهانه جهاد در راه خدا بارها به هند حمله کرد؛ در حالی که هدف و انگیزه‌اش از این حملات، دستیابی به ثروت فراوان هند از طریق غارت معابد و پرستشگاه‌های آن سرزمین بود. در نتیجه این حملات، دین اسلام و زبان فارسی به شبه‌قاره هند راه یافت و گسترش پیدا کرد.



قلمرو غزنویان در زمان سلطان محمود

سلطه غزنویان بر خراسان به سر رسید، اما حکومت آنان بر مناطقی از سرحدات شرقی ایران (افغانستان کنونی) و شمال غربی هند، تا اواخر قرن ششم هجری ادامه یافت.

## ۲- سلجوقیان

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان بودند که پس از گرویدن به اسلام، نخست در ماوراءالنهر و سپس در خراسان مستقر شدند. طغرل سلجوقی پس از تصرف نیشابور، این شهر را به عنوان مرکز حکومت خود برگزید (۴۲۹ق). او سپس شهرها و مناطق مختلف ایران را یکی پس از دیگری تسخیر کرد. وی سرانجام به بغداد رفت

پس از محمود، پسران او، محمد و مسعود بر سر جانشینی پدر با یکدیگر به ستیز پرداختند. مسعود غلبه کرد و به جای پدر نشست. درگیری‌های داخلی و سرگرم شدن مسعود به لشکرکشی به هند، از جمله عواملی بود که سبب شد وی از وضعیت مردم، به خصوص ساکنان خراسان که زیر بار فشار مالیاتی مأموران او به شدت آسیب دیده بودند، غافل بماند. از این رو، هنگامی که سلجوقیان، به فرماندهی طغرل، به شهرهای خراسان هجوم آوردند، مردم دروازه شهرها را به روی مهاجمان گشودند. به دنبال شکست مسعود غزنوی از سلجوقیان در نبرد سرنوشت‌ساز دندانقان (۴۳۱ق)،





قلمرو سلجوقیان در زمان ملکشاه

سلطان سلجوقی گردن نهادند. حکومت سلجوقیان، به دنبال مرگ وزیر و پادشاه قدرتمند خود، یعنی خواجه نظام‌الملک و ملکشاه، در اثر اختلافات فراوان بر سر قدرت و جانشینی، دچار ضعف شد. همچنین هجوم اقوام مهاجمی همچون قراختائیان<sup>۱</sup> و غُزها<sup>۲</sup> منجر به از دست رفتن ماوراءالنهر و وارد آمدن آسیب‌ها و خسارت‌های فراوان به شهرها و روستاهای خراسان و دیگر مناطق ایران شد. به دنبال این حوادث، قلمرو سلجوقی در ایران بین امیران مختلف تقسیم شد و رقابت و کشمکش بر سر قدرت، حکومت سلجوقی را بیش از پیش تضعیف کرد. با پیروزی تگش خوارزمشاه بر آخرین سلطان سلجوقی (۵۹۰ق)، حکومت سلجوقیان منقرض شد و خوارزمشاهیان قدرت را به دست گرفتند. علاوه بر عوامل فوق، مبارزات اسماعیلیان در ایران و قدرت گرفتن اتابکان در نواحی زیر سلطه سلجوقیان نیز در ضعف و زوال این حکومت مؤثر بودند.

و خلیفه عباسی را از تسلط آل بویه شیعه‌مذهب درآورد و خود را مُنْجی خلافت معرفی کرد (۴۴۷ق). خلیفه نیز حکومت ایران و عراق را به او بخشید و دستور داد که نام وی را در خطبه بخوانند و سکه به نام او زند. خلیفه همچنین لقب «سلطان رکن‌الدوله» را به طغرل داد.

در زمان آلب‌ارسلان، جانشین طغرل، سلجوقیان در نبردی بزرگ که در ملازگرد رخ داد (۴۶۳ق)، سپاهیان امپراتوری روم شرقی را شکست دادند، امپراتور را اسیر کردند و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزودند. در آن زمان، قلمرو سلجوقیان از رود سیحون در شرق تا دریای مدیترانه گسترش یافت. این وسیع‌ترین قلمرو یک حکومت در ایران دوران اسلامی بود. توسعه قلمرو سلجوقیان در آسیای صغیر، موجب مهاجرت قبایل و طوایف ترک به آن منطقه و تغییر وضعیت سیاسی و فرهنگی این ناحیه شد. در زمان ملکشاه، سلسله سلجوقی به اوج قدرت رسید و در نتیجه بیشتر خاندان‌ها و حکومت‌های محلی از بین رفتند و یا به اطاعت

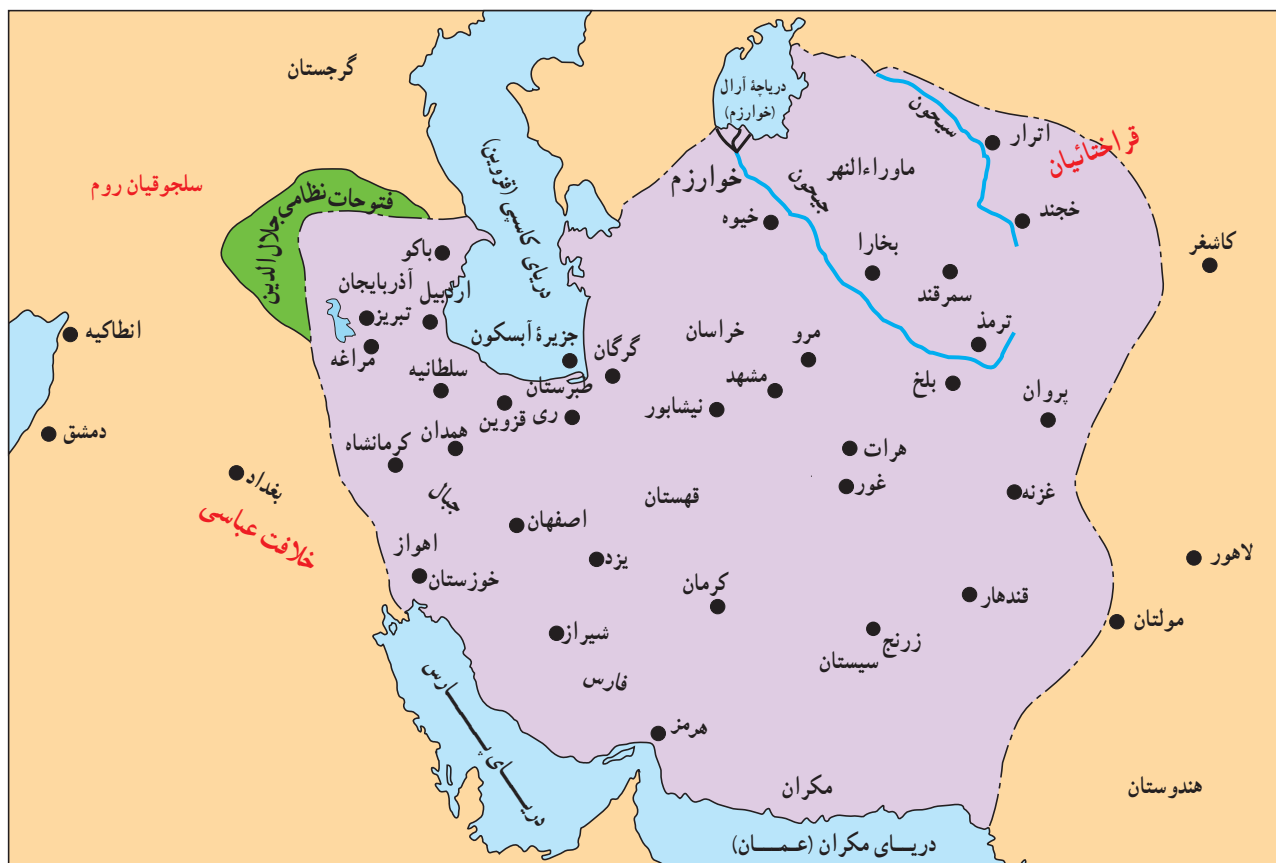
۱- قراختائیان اصل و نسب مغولی داشتند که در قرن چهارم میلادی جذب فرهنگ چین شدند. محل اصلی سکونت آنها در شمال کوه‌های تیان‌شان بود. در حدود سال ۵۱۲-۵۱۸ق حکومت قدرتمندی تشکیل دادند. در ۵۳۱ق به سرزمین‌های اسلامی هجوم آوردند. نزدیکی آنها به ماوراءالنهر سبب حرکت سنجر برای نبرد با آنها شد.

۲- غزها دسته‌ای از طوایف ترک بودند که در زمان سلطان سنجر قوت گرفتند و با شکست سنجر و اسارت او، خراسان را برای مدتی تصرف و غارت کردند.



«اتابک» در ترکی به معنای پدربزرگ و سرپرست است. سلاطین سلجوقی شاهزادگان خردسال خود را برای اداره نواحی تازه فتح شده با گروهی از امیران و بزرگان که به آنها اتابک گفته می‌شد و وظیفه سرپرستی آنان را داشتند گسیل می‌کردند. در دوران ضعف سلجوقیان بسیاری از این اتابکان، شاهزادگان را از قدرت برکنار کردند و خود در منطقه تحت سلطه آنان حکومت مستقلی تشکیل دادند.

### ۳- خوارزمشاهیان



قلمرو خوارزمشاهیان در زمان سلطان محمد خوارزمشاه

بربخش وسیعی از ایران تسلط یافت. سلطان محمد خوارزمشاه نیز توسعه طلبی را وجهه همت خود قرار داد و با تسلط بر مناطق جدیدی، قلمرو خوارزمشاهیان را گسترش داد. در زمان سلطان محمد، روابط خوارزمشاهیان با خلافت عباسی، به تیرگی گرایید. خلیفه عباسی که در آن زمان در صدد احیای قدرت سیاسی و نظامی خود بود، از تأیید حکومت خوارزمشاهیان

خوارزم، یکی از مناطق آباد ایران زمین در قرون نخستین و میانه اسلامی بود. به حاکمان ناحیه خوارزم، خوارزمشاه گفته می‌شد. خاندان حاکم بر این منطقه با وجود استقلال داخلی، از سلجوقیان اطاعت می‌کردند. پس از آنکه حکومت سلجوقی دچار ضعف و انحطاط شد، آتسبز، حاکم خوارزم، ادعای استقلال کرد. جانشین او، تکش با شکست دادن طغرل سوم، آخرین سلطان سلجوقی،

خودداری کرد. به همین سبب سلطان محمد خوارزمشاه برای مقابله با عباسیان، یکی از سادات حسینی<sup>۱</sup> را به عنوان خلیفه اعلام کرد و به بغداد لشکر کشید؛ اما سپاه او در گردنه اسدآباد همدان، بر اثر برف و سرمای شدید، متوقف شد.

## بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر درباره آثار و نتایج دشمنی و درگیری خوارزمشاهیان و خلافت عباسی با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنید.

یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ ایران، یعنی حمله چنگیز خان مغول به حوض‌های ایران در معرض قتل و غارت سپاهیان چنگیز در زمان سلطان محمد خوارزمشاه اتفاق افتاد (۶۱۶ ق). بر اثر این قرار گرفت و در پی آن حکومت خوارزمشاهیان نیز ساقط شد.

## یک توضیح



مورخان نوشته‌اند چنگیز کاروانی شامل پانصد بازرگان با کالاهایی گرانبها را به ماوراءالنهر فرستاد. حاکم شهر مرزی اترار به نام غایرخان، اموال آنان را تصاحب کرد و جز یک تن همه آنها را کشت. منابع تاریخی درباره انگیزه وی اتفاق نظر ندارند. بعضی علت این اقدام را جاسوس بودن آنها دانسته‌اند، برخی علت آن را به‌جا نیاوردن شرط ادب ذکر کرده‌اند و بعضی هم این اقدام را با اجازه سلطان محمد خوارزمشاه و ناشی از طمع دستیابی به ثروت کاروانیان شمرده‌اند. به هر حال، این واقعه بهانه لازم را به چنگیز خان مغول داد تا فرمان هجوم به ایران را صادر کند.

## فعالیت ۱

نمودار خط زمان تاریخ ایران در دوران حکومت‌های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان را ترسیم کنید و رویدادهای مهم سیاسی و نظامی را بر روی آن نشان دهید.

## نظام اداری

فرمانروایان غزنوی به‌خوبی دریافته بودند که برای اداره قلمرو روبه‌توسعه خود به تشکیلات دیوانی و دیوان‌سالاران ایرانی نیاز دارند. از همین رو بسیاری از دیوان‌سالاران حکومت سامانی و حتی برخی از دیوان‌سالاران حکومت آل بویه را به خدمت گرفتند. سلجوقیان نیز از آغاز حکومت با به‌کارگیری دیوان‌سالارانی همچون عمیدالملک کندی و خواجه نظام‌الملک توسی، نظام اداری ایران را کامل‌تر و گسترده‌تر کردند. در این بین، نقش نظام‌الملک در ساختار نظام اداری ایران عصر سلجوقی به اندازه‌ای برجسته است که دوران وزارت وی را می‌توان «عصر نظام‌الملک» نامید. خواجه نظام‌الملک در تلاش بود که با تقویت حکومت مرکزی از طریق تقویت و توسعه نظام اداری مدنظر خود که مبتنی بر میراث اداری کهن ایرانی بود، ضمن ایجاد ثبات و استمرار، با نیروی سرکش امیران و نظامیان سلجوقی که به سنت‌های قبیله‌ای خود همچنان وفادار بودند، مقابله

۱- سیدعلاءالملک ترمذی

شکوه‌مندی بی‌نظیری رسید. همه دیوان‌های سلجوقی زیر نظر وزیر کار می‌کردند. با این حال، وزیر در منصب خود هیچ امنیتی نداشت و آنچه سبب تداوم کار وی می‌شد، اراده و خواست سلطان بود. اگر سلطان بنا به دلایلی از وزیر رنجیده یا از موقعیت وی به هراس می‌افتاد، عزل یا قتل و مصادره اموال در انتظار او بود.

کند. این چالش مداوم، منجر به تقابل دو نیروی مخالف شد که در تاریخ ایران به نام تقابل اهل قلم (دیوان سالاران) و اهل شمشیر (نظامیان) معروف است. نظام اداری سلجوقی، الگوی مطلوبی برای حکومت‌های پس از خود شد. در عصر سلجوقی، دیوان وزارت که وزیر در رأس آن قرار داشت به

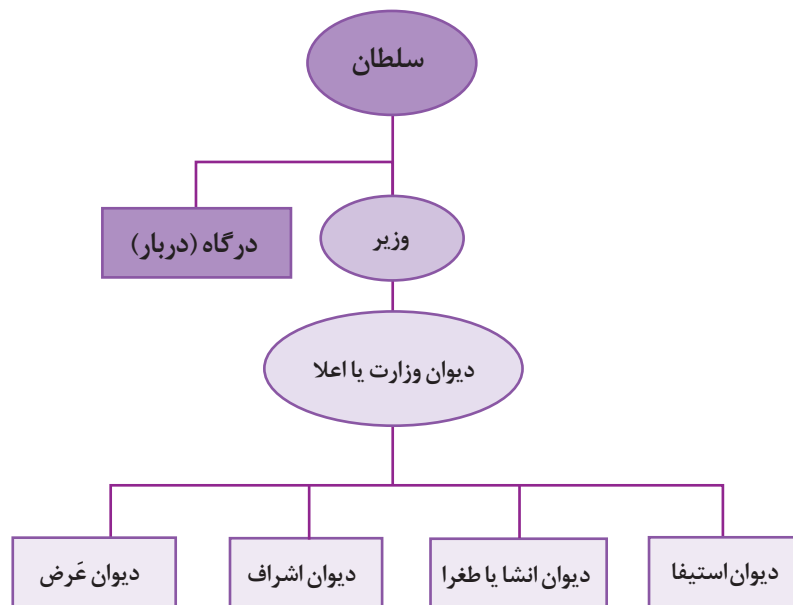
## فعالیت ۲

### بررسی شواهد و مدارک

متن‌های زیر را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آنها پاسخ دهید.

**متن ۱:** «روزی سلطان به وی [نظام الملک] پیغام داد که همانا با من در ملک شریکی که ولایت و اقطاع به اولاد خود می‌دهی، و هر تصرف که در ملک می‌خواهی بی‌مشورت من می‌کنی، خواهی تا بفرمایم که دوات وزارت از پیش و دستار از سرت بردارند؟ نظام الملک جواب داد که دوات من و تاج تو در هم بسته است و تو آمانند، اما فرمان تو را باشد» (رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، بخش سلجوقیان، ص ۳۶).  
— منظور نظام الملک از رابطه بین دوات [نماد اهل قلم] وی و تاج سلطانی چیست؟

**متن ۲:** «باید که به همه اطراف همیشه جاسوسان روند بر سبیل بازرگانان و سیاحان و صوفیان و داروفروشان و درویشان، و از هر چه می‌شنوند خبر می‌آورند تا هیچ‌گونه از احوال چیزی پوشیده نماند» (نظام الملک، سیاست‌نامه، ص ۹۰).  
الف) با توجه به متن فوق، نظام الملک، ایجاد کدام دیوان را برای حکومت سلجوقی ضروری شمرده است؟  
ب) به نظر شما اطلاع حاکم از اوضاع مملکت چه فایده‌ای می‌توانست به همراه داشته باشد؟



نمودار تشکیلات اداری حکومت سلجوقیان

نام دیوان	توضیحات
استیفا	استیفا به معنای تمام گرفتن و طلب تمام کردن است. دیوان استیفا، به ریاست مستوفی یا مستوفی الممالک، به امور مالی یعنی محاسبه و گردآوری درآمدها (مالیات‌ها) و هزینه‌ها (مخارج) رسیدگی می‌کرد.
انشا	دیوان انشا یا دیوان طغرا به ریاست مُنشی الممالک، وظیفه داشت احکام و نامه‌های حکومتی را نگارش، تنظیم، ثبت، دریافت و ارسال کند. عده زیادی دبیر در این دیوان مشغول کار بودند.
اشراف	دیوان اشراف، به ریاست مُشرِف، بر دخل و خرج کشور و عملکرد دیوانیان، به ویژه مستوفان، نظارت می‌کرد.
عَرَض	دیوان عَرَض، با ریاست عارض، بر امور اداری و مالی و تدارکاتی سپاه، از قبیل آمار سپاهیان، پرداخت و حقوق و مواجب آنان نظارت می‌کرد.

## فعالیت ۳

با مطالعه دقیق وظایف دیوان‌ها در عصر سلجوقیان، بگوئید امروزه وظایف هر یک از این دیوان‌ها را چه وزارتخانه یا نهادی انجام می‌دهد؟

نظام اداری دوره خوارزمشاهی، تداوم نظام اداری سلجوقی بود، با این تفاوت که اختیارات برخی دیوان‌ها نسبت به دوره سلجوقی کم شد، برخی دیگر تغییر نام یافت و برخی دیوان‌های جدید نیز تشکیل شد؛ برای نمونه، در این دوره، قدرت و نقش وزیر نسبت به دوره سلجوقی به شدت کاهش یافت و حتی در مواردی منصب وزیر حذف شد.

نظام اداری دوره خوارزمشاهی، تداوم نظام اداری سلجوقی و خوارزمشاهی، در دوران حکومت‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، بخش عمده جمعیت ایران در این دوران در روستاها به سر می‌بردند. همچون گذشته روابط دوجانبه‌ای بین روستاها و شهرها وجود داشت.

شهرها مانند دوران پیش از آن، از سه بخش کهن‌تر (ارگ)، شهرستان (شارسنان) و شهر بیرونی (رَبَض) تشکیل می‌شد، با این تفاوت که شهر بیرونی در دوره سلجوقی بیش از ادوار پیشین گسترش یافت. این اتفاق به دلیل رشد تجارت و افزایش جمعیت شهرها رخ داد. همراه با این تحول، عناصر شهر اسلامی، مانند مسجد و بازار، به شهر بیرونی منتقل شدند و در کنار هم قرار گرفتند. شهرهایی که مرکز یک ناحیه محسوب می‌شدند، به دلیل وجود نهادهای اداری و نیز به دلیل اهمیت سیاسی و اقتصادی‌شان، بیش از دیگر شهرها، از نظر جغرافیایی، جمعیت و عناصر شهری، توسعه یافتند.

## اوضاع اجتماعی و اعتقادی



بخشی از شهر نیشابور در دوره سلجوقی که با استفاده از تصاویر ماهواره ای به صورت نگاشتاری (گرافیکی) بازسازی شده است (هفت رخ فرخ ایران، ص ۱۴۴)



برج طغرل - ری

در دوره سلجوقی، به دلیل رشد شهرنشینی و توسعه مناسبات شهری، طبقه بازرگان شهری بیش از پیش اهمیت یافت و بازرگانان به یکی از مهم ترین گروه های اجتماعی تبدیل شدند. در شهرها مشاغل و حرفه های گوناگونی وجود داشت. ری، اصفهان، مرو و نیشابور از جمله شهرهای مهم این دوره بودند.

بافت مذهبی جمعیت شهری و روستایی این دوره را عمدتاً اهل تسنن تشکیل می دادند. به جز اهل تسنن، شیعیان دوازده امامی (امامیه) نیز در شهرهای ایران پراکنده بودند و در برخی نقاط، اکثریت داشتند. در برخی شهرهای ایران سادات علوی نیز زندگی می کردند. بیهق (سبزوار)، ری، گرگان، ساری و قم از جمله مهم ترین مراکز شیعه نشین ایران بودند. پیروان مذهب اسماعیلیه نیز در شهرها و روستاهای ایران پراکنده بودند. این گروه، مهم ترین مخالفان خلافت عباسی و دو حکومت غزنوی و سلجوقی بودند و به همین دلیل همیشه از سوی این حکومت ها مورد تعقیب و آزار قرار داشتند. از وجود پیروان ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی در برخی شهرهای ایران نیز گزارش هایی در دست است.

غزنوی و سلجوقی در امور مذهبی و جانب داری آنها از یک فرقه و مذهب و دشمنی با فرقه و مذهب دیگر، به این اختلافات و درگیری‌ها دامن می‌زد.

در این عصر، گاه اختلافات و منازعاتی میان پیروان بعضی از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی در برخی از شهرها و مناطق پیش می‌آمد. دخالت مقام‌های حکومتی به ویژه برخی سلاطین و وزیران

## فعالیت ۴

سیاست مذهبی سلجوقیان را با سیاست مذهبی آل بویه مقایسه و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن را بیان کنید.

### بیشتر بدانیم



#### اسماعیلیان ایران

اسماعیلیان از قرن سوم هجری فعالیت تبلیغی خود را در ایران آغاز کردند و در دوران سلجوقیان به یک جریان مذهبی سیاسی نیرومند تبدیل شدند. رهبری اسماعیلیان ایران را در آن زمان حسن صَبَّاح عهده‌دار بود و با خلافت فاطمیان مصر ارتباط داشت. حسن صَبَّاح و جانشینان او با تصرف و یا بنای دژها در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، پایگاه‌های مستحکم و نفوذناپذیر برای خود ایجاد کردند و با سلجوقیان و خلافت عباسی به مبارزه پرداختند. دژ الموت در نزدیکی قزوین و دژ گردکوه در حوالی دامغان از جمله مهم‌ترین قلعه‌های آنان بود. اسماعیلیان هم‌زمان با مبارزات نظامی برای تبلیغ آیین خود و جذب مردم، خصوصاً شیعیان، به مذهب اسماعیلی و عقاید سیاسی خود فعالیت‌های فرهنگی زیادی انجام



بقایای قلعه الموت

دادند. آنان از افرادی به عنوان «داعی» برای دعوت و جذب مردم به اندیشه‌های خود استفاده می‌کردند. یکی از داعیان معروف اسماعیلی، شاعر و متفکر بزرگ ایرانی، ناصر خسرو بود که چندین کتاب مهم به زبان فارسی در این زمینه نوشت. خواجه نصیرالدین توسی، دانشمند معروف شیعی قرن هفتم هجری، از کتابخانه بزرگ و غنی اسماعیلیان بهره فراوان برد. مبارزات اسماعیلیان نقش مهمی در تضعیف سلجوقیان داشت. قلعه‌های اسماعیلیان در جریان حمله هلاکوخان به تصرف مغولان درآمد.

## اوضاع اقتصادی

### کشاورزی و زمین داری

در عصر حکومت‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی نیز مانند دیگر دوره‌های تاریخی، کشاورزی مهم‌ترین و اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی مردم ایران به شمار می‌رفت.

یکی از تحولات چشمگیر دوران حاکمیت غزنویان، سلجوقیان و

خوارزمشاهیان، زوال موقعیت اقتصادی و اجتماعی دهقانان در ایران بود.

مالکیت زمین در تاریخ ایران همواره یکی از مسائل مهم به شمار می‌رفته است. در طول تاریخ، شکل‌های مختلف مالکیت زمین وجود داشته که در دوره‌های مختلف دچار تغییراتی شده است. مالکیت شخصی بر زمین بسیار محدود و ناپایدار بود و چنین املاکی

به تدریج در این دوران در ایران توسعه یافت، زمین‌های وقفی بود.

### تجارت و پیشه‌وری

در دوره سلجوقی تجارت داخلی و خارجی ایران به طور چشمگیری رشد کرد. گسترش قلمرو، برقراری نظم و امنیت، ایجاد راه‌های جدید و توسعه حمل و نقل و وجود نظام دیوانی کارآمد از جمله عواملی بودند که به رشد تجارت کمک کردند. با رونق تجارت، شهر و شهرنشینی نیز رشد یافت. بازارها به عنوان قلب تپنده شهر رو به توسعه گذاشت. سنگ‌های قیمتی، انواع منسوجات، برخی محصولات کشاورزی پرتعداد، برخی اشیای فلزی، ظروف سفالی و انواع ظروف شیشه‌ای در داخل و خارج از مرزهای ایران مبادله و خرید و فروش می‌شدند. صرافان که وظیفه انجام معاملات پولی و تسهیل مبادله کالاها را به عهده داشتند، نقش مهمی در توسعه تجارت خارجی ایفا کردند.

همواره در معرض مصادره فرمانروایان و مأموران آنان قرار داشت. عمده‌ترین شکل مالکیت زمین در ایران، مالکیت دولتی یا دیوانی بود که از دوران باستان در ایران رواج داشت. در دوران اسلامی نیز، همچون گذشته، بخشی از زمین‌ها در قبال خدمت نظامی، اداری و... به افراد داده شد.

در عصر سلجوقی، با تدبیر نظام‌الملک، شکلی از زمین‌داری با عنوان **اقطاع** که در دوره حکومت آل بویه رایج بود، گسترش یافت. اقطاع به انواع مختلف واگذاری زمین به افراد نظامی یا صاحبان مشاغل دیوانی گفته می‌شد. نظام‌الملک با هدف نظارت و آباد کردن زمین‌های بایر و بلااستفاده، نظام اقطاع را توسعه داد. گرچه این سیاست در ابتدا نتایج و عواید مثبتی برای حکومت داشت، اما پس از نظام‌الملک به دلیل تمایل تدریجی صاحبان اقطاع به استقلال، سبب جدایی مناطقی شد که زمین‌های اقطاعی در آنها قرار داشتند و نهایتاً به ضعف و زوال حکومت سلجوقی کمک کرد. نوع دیگر مالکیت که

### کاوش خارج از کلاس

با راهنمایی دبیر، درباره تاریخ شهر و یا استان محل زندگی خود در دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان گزارشی را تهیه و در کلاس ارائه کنید.

### زبان، علم و آموزش

#### الف) زبان و ادب فارسی

فردوسی شاهنامه را که نماد هویت ایرانی و زبان فارسی است، سرود و ابوالفضل بیهقی یکی از برجسته‌ترین آثار زبان فارسی، یعنی **تاریخ بیهقی**، را نوشت. در همین دوره آثار فراوانی در تاریخ، طب، ریاضیات، نجوم و فلسفه به زبان فارسی نگاشته شد. در عصر سلجوقی این روند رشد سریع‌تری به خود گرفت. با رشد شهرها، تأسیس و توسعه مراکز آموزشی و نفوذ روزافزون دیوان‌سالاران ایرانی در دستگاه اداری حکومت سلجوقی و جذب شعرا و نویسندگان به دربارهای مختلف، فرصت مناسب برای توسعه هر چه بیشتر زبان و ادبیات فارسی

قرن‌های چهارم تا هفتم، دوران توسعه زبان و ادبیات فارسی و ظهور بزرگ‌ترین نویسندگان و شاعران زبان فارسی است. تلاش‌های دیوان‌سالاران ایرانی در تبدیل زبان دستگاه اداری غزنویان از عربی به فارسی که در دوره سلجوقی عملاً رسمیت یافت و تمایل دانشمندان این دوره به نوشتن آثار خود به زبان فارسی نیز در رونق و توسعه زبان و ادبیات فارسی نقش بسزایی داشت. در عصر غزنوی شعر فارسی به اوج خود رسید و حکیم



فراهم آمد. شعر فارسی، به‌ویژه در انتهای دوره سلجوقی، به روتق و شکوفایی فراوانی دست یافت. سنایی، انوری، خاقانی و عطار از مشهورترین شاعران و نویسندگان عصر سلجوقی و خوارزمشاهی بودند.

## ب) علم و آموزش

دوران طولانی حکومت سلسله‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، هم‌زمان، شاهد تداوم رشد فلسفه و علوم

طبیعی در آغاز و سپس افول تدریجی این علوم بود. در این دوران، دانشمندان بسیار بزرگی فعالیت علمی می‌کردند. در دوره غزنوی ابوریحان بیرونی در نجوم و جغرافیا و در دوره سلجوقی ابوالعباس لوکری و خیام نیشابوری در ریاضیات و نجوم، شهاب‌الدین سُهروردی و امام فخر رازی در فلسفه و کلام و سید اسماعیل جرجانی در پزشکی از جمله معروف‌ترین این دانشمندان بودند.

### بیشتر بدانیم



#### حکیم عمر خیام نیشابوری

حکیم عمر خیام یکی از برجسته‌ترین دانشمندان در عصر سلجوقی بود. خیام که شهرتش اکنون بیشتر به‌خاطر رباعیات اوست، در علوم ریاضی و نجوم سرآمد عصر خود محسوب می‌شد. علاوه بر آن در فلسفه نیز تبحر داشت. برخی محققان، عصر خیام را پایان دوره‌ای می‌شمارند که علم در دنیای آن روزگار تقریباً به مسلمانان اختصاص داشت. کتاب او با عنوان «رساله فی الجبر و المقابله» که در تاریخ علم آن را برجسته‌ترین رساله در این زمینه در تمام قرون وسطا خوانده‌اند، شامل حل هندسی و تحقیق منظمی در طبقه‌بندی معادلات جبری درجه اول، درجه دوم و درجه سوم بود. وی همچنین در تحقیق و تنظیم تقویم جلالی نقش اساسی داشت.



مجسمه خیام در مقر سازمان ملل متحد در وین

علوم دینی در قیاس با فلسفه و علوم طبیعی، به‌دلیل حمایت‌های سلاطین و وزیران و نیز موقعیت علمای مذهبی، از جایگاه برتری برخوردار شد. با حمایت حاکمان و دولتمردان غزنوی و سلجوقی مراکز و مؤسسات آموزشی که بیشتر به تعلیم علوم دینی اختصاص داشت گسترش یافت. نظامیه‌ها که به‌همت خواجه نظام‌الملک توسی در شهرهای مهمی چون بغداد و اصفهان و نیشابور ساخته شدند، از این جمله بودند. این مدارس که اختصاص به تدریس فقه شافعی<sup>۱</sup>

و دانش‌های وابسته به آن داشت، بعدها الگوی بسیاری از نهادهای آموزشی دینی در دیگر نقاط دنیای اسلام و کشورهای غربی گردیدند. پس از نظام‌الملک، مدیران و مدرسان نظامیه‌ها توسط سلطان یا خلیفه تعیین می‌شدند. امام محمد غزالی از جمله مهم‌ترین و معروف‌ترین عالمانی بود که در مدارس نظامیه درس خواند و درس داد. آخرین نظامیه تا حمله هلاکوخان در سال ۶۵۶ ق به بغداد که به نابودی آن انجامید، فعال بود.

### بحث و گفت‌وگو

درباره آثار و نتایج اجتماعی و فرهنگی محدود و منحصر کردن مدرسان و محصلان مدارس به پیروان یک مذهب خاص در کلاس بحث و گفت‌وگو کنید.

۱- مذهب شافعی یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است که توسط ابوعبدالله محمدبن ادریس شافعی (د: ۲۰۴ق) پایه‌گذاری شد.

## هنر و معماری

از عصر غزنوی بعضی کاخ‌ها و بناهای برج مانند که آرامگاه مشاهیر عصر خود بودند، باقی مانده که در خور توجه‌اند. دوره سلجوقی یکی از دوره‌های مهم هنر اسلامی تلقی می‌شود. گسترش قلمرو، حکومت فراگیر، توسعه شهرنشینی، رشد اقتصادی و حمایت دولتمردان، در شکوفایی هر چه بیشتر هنر و معماری این دوره تأثیر بسزایی داشت. مسجد، مدرسه،

کاروان‌سرا و نیز مقابر از جمله بناهایی بودند که در آن دوره توسط معماران ایرانی ساخته می‌شدند. مسجد جمعه اصفهان که یکی از کهن‌ترین مسجدهای چهار ایوانی در ایران است، الگویی برای معماران مساجد در دوره‌های بعدی شد. کاشی‌ها و گچ‌بری‌ها و تزیینات به‌کار رفته در این مسجد نیز به عنوان نمونه‌ای عالی از هنر این دوره محسوب می‌شوند.



میل (مناره) خسرو گرد - سبزوار



گنبد علویان از بناهای دوره سلجوقی - همدان

### کاوش خارج از کلاس

الف) به طور انفرادی یا گروهی درباره بناها و آثار تاریخی دوره سلجوقیان که در شهر یا استان محل زندگی شما وجود دارد گزارشی را در قالب پرده‌نگار (پاورپوینت) تهیه و در کلاس ارائه کنید.

ب) با رجوع به کتابخانه مدرسه، شهر یا جستجو در اینترنت، درباره مهم‌ترین آثار هنری به‌جای مانده از عصر غزنوی و سلجوقی پرده‌نگاری (پاورپوینتی) را تهیه و در کلاس ارائه کنید.



ظروف دوره سلجوقیان

فلزکاری در عصر سلجوقی یکی از درخشان‌ترین دوران خود را در تاریخ ایران پشت سر گذاشت. آثار فلزی با تزیینات فراوان به صورت قلم‌زنی و قالب‌ریزی در مقیاس فراوان تولید و گاهی اوقات به خارج از قلمرو سلجوقی صادر می‌شدند. شیوه‌های تولید و تزیین فلزکاری عصر سلجوقی به دلیل غنای خود بعداً به سرزمین‌های غرب قلمرو اسلامی انتقال یافت.

هنر سفالگری، گرچه به کیفیت دوره سامانی نرسید، اما با استفاده از نقوش جانوری و گیاهی توسعه یافت و مراکز مهم سفالگری عصر سامانی از شرق ایران، یعنی نیشابور و سمرقند، به تدریج به مناطق مرکزی مانند کاشان انتقال یافت.

هنر کاشی‌کاری نیز در کنار توسعه معماری، در این دوره به اوج خود رسید و استفاده از نقوش انسانی، گیاهی، جانوری و نیز نقوش هندسی برای تزیین بناهای مذهبی و غیر مذهبی کاربرد فراوانی یافت.



نمای داخلی گنبد مسجد جمعه اصفهان، دوره سلجوقیان

### پرسش‌های نمونه

- ۱ اهداف محمود غزنوی از حمله به هند چه بود؟
- ۲ نظام‌الملک چه اهدافی از تقویت و توسعه نظام اداری در عصر سلجوقی داشت؟
- ۳ شکل‌گیری نظام سلطنت در دوره سلجوقی، چه تأثیری بر جایگاه و قدرت سیاسی - نظامی خلفای عباسی داشت؟
- ۴ بافت مذهبی شهرهای ایران را در دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان به اختصار توضیح دهید.
- ۵ چه عواملی در رشد تجارت داخلی و خارجی در دوره سلجوقی نقش داشتند؟
- ۶ عوامل مؤثر بر رشد هنر و معماری در دوره سلجوقی کدام‌اند؟